



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

Strategic Research on Social Problems

E-ISSN: 3041-8623

Vol. 13, Issue 3, No.46, Autumn 2024, pp. 1-26

Received: 10.04.2024 Accepted: 16.09.2024

Research Paper

Designing a Paradigmatic Model of Child Marriage in Bandar Abbas City

Mehdiah Moradi

M.A. in Social Sciences Research, Department of Social Science, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran
mahdiah.mo1995@gmail.com

Yaser Rastegar* 

Associate professor in Sociology, Department of Social Science, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran
rastegar@hormozgan.ac.ir

Mostafa Zahirinia

Associate professor in Sociology, Department of Social Science, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran
zahirinia@hormozgan.ac.ir

Introduction

Child marriage, regardless of gender, refers to the marriage of individuals under the age of 18. Recognized as a violation of fundamental human rights, child marriage is condemned by various international conventions, treaties, and agreements, including the Convention on the Rights of the Child. While both girls and boys can experience early marriage, the harsh reality is that the consequences are far more severe for girls. Female child spouses are particularly vulnerable to partner violence, mental health issues, and limited decision-making power due to the inherent power imbalances in these relationships. Child marriage is linked to a range of adverse economic, socio-cultural, and psychological outcomes, contributing to lower socio-economic status and higher poverty rates among child spouses. Moreover, intergenerational patterns of early marriage perpetuate this cycle. Girls affected by child marriage often find themselves dependent on others, lacking significant decision-making power, which diminishes their quality of life. Additionally, without the necessary skills and abilities, these girls struggle to become active contributors to society. As a result, we witness a decline in human capital and a decrease in women's participation, ultimately diminishing the role of women in society.

Materials & Methods

This study employed a qualitative research method grounded in an interpretive paradigm. The implementation strategy followed the systematic contextual theory as outlined by Strauss and Corbin. The focus of this research was on girls affected by child marriage in Bandar Abbas City. Sampling was conducted using theoretical and purposive techniques. Through purposive sampling, the researchers intentionally engaged with individuals, who possessed adequate knowledge and insight related to the phenomenon under investigation.

The sampling process continued until theoretical saturation was reached, meaning no new information emerged during interviews. Ultimately, 21 girls, who were

married before the age of 18, were selected for participation. Interviews lasted between 40 minutes to 1 hour, depending on the depth of the participants' responses. Data collection involved in-depth, semi-structured interviews, which were analyzed using a 3-step coding approach: open, axial, and selective coding.

Discussion of Results & Conclusion

The findings of this research revealed that one of the most significant aspects of child marriage was the presence of binding structures within marriage traditions. These frameworks rooted in epistemological, value-based, and cultural foundations shaped the meanings associated with marriage, the perceived value of marriage, and the roles of

*Corresponding author

Moradi, M., Rastegar, Y., & Zahirinia, M. (2024). Designing a paradigmatic model of child marriage in Bandar Abbas City. *Strategic Research on Social Problems*, 13(3), 1-26. <https://doi.org/10.22108/srsp.2024.140860.1982>



gender and femininity. These concepts had been institutionalized through customary, religious, and cultural structures. Religious frameworks played a crucial role in reinforcing these binding structures as the beliefs of families and previous generations elevated the sanctity of marriage. Within this context, children often adhered to established traditions and familial obligations, accepting them without resistance due to deeply ingrained religious values. Ultimately, the interplay of customary and cultural norms, parental authority, gender stereotypes, and social pressures contributed to the prevalence of early marriage among these girls.

The economic and livelihood challenges faced by families were significant factors contributing to the phenomenon of child marriage. Many girls grew up in financially disadvantaged households, struggling with issues related to welfare and education. In their pursuit of improved economic conditions and to meet financial needs, some girls had resorted to marriage as a solution. Additionally, many child brides harbored idealized and romantic notions of

marriage, believing that these dreams would materialize once they were married.

Field studies on child marriage revealed that, contrary to the initial assumption that this issue predominantly affected impoverished families, it also occurred among those with average economic status and even among families with higher incomes. While structural poverty and economic challenges were critical factors underlying child marriage in Bandar Abbas, the issue could not be solely attributed to financial circumstances. This research posited that the mechanisms driving child marriage extended beyond economic factors, delving into the deeper cultural, religious, and gender stereotypes that shaped perceptions of gender and marriage. These underlying influences were rooted in cognitive and linguistic foundations that defined the meanings associated with sex and marriage.

Keywords: Child Marriage, Qualitative Study, Grounded Theory, Bandar Abbas.



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی
سال سیزدهم، شماره پیاپی (۴۶)، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳، ص ۱-۲۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

مقاله پژوهشی

طراحی یک مدل پارادایمی از پدیده کودک‌همسری در شهر بندرعباس

مهدیه مرادی، کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس،

ایران

mahdieh.mo1995@gmail.com

یاسر رستگار ^{id} *، دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

rastegar@hormozgan.ac.ir

مصطفی ظهیری‌نیا، دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

zahirinia@hormozgan.ac.ir

چکیده

پدیده کودک‌همسری فارغ از جنسیت، عبارت است از ازدواج کودکانی که زیر ۱۸ سال انجام شده باشد. این پژوهش حاصل یک مطالعه کیفی با تمرکز بر واکاوی زمینه‌های کودک‌همسری است و میدان مطالعه در این پژوهش، دختران درگیر پدیده کودک‌همسری در شهر بندرعباس‌اند. روش پژوهش حاضر، کیفی و راهبرد اجرای آن، نظریه زمینه‌ای بوده است. روش نمونه‌گیری به صورت ترکیبی از روش‌های هدفمند، نظری و گلوله‌برفی است و داده‌های میدانی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از دخترانی جمع‌آوری شده است که زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند. فرایندهای تحلیل و داده‌کاوی نشان می‌دهد که پنج مقوله ساختارهای الزام‌آور در بستر سنت ازدواج، جبر معیشتی، نگاه فائتزی به ازدواج، ازدواج راهی به رهایی از محدودیت‌ها و مصائب خانه پدری، زمینه‌های شکل‌گیری این پدیده است. کودک‌همسران در مواجهه با موانع پیش رو در زندگی زناشویی، استراتژی‌های سازگاری، استراتژی‌های مبتنی بر مقاومت و استراتژی‌های مبتنی بر مدیریت چالش‌ها را به کار گرفته‌اند. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد ازدواج زودهنگام، مانع رشد اجتماعی و نشاط کودکان می‌شود، آسیب‌های متعددی را بر آنها تحمیل می‌کند و در نهایت به بازتولید موقعیت فرودست زنان منجر می‌شود. در نهایت نتایج نشان می‌دهد پدیده کودک‌همسری در شهر بندرعباس، بیش از آنکه متأثر از مصائب و چالش‌های اقتصادی و تکنالهای معیشتی باشد، برآمده از ساختارهای الزام‌آور فرهنگی، بنیادهای ارزشی و کلیشه‌های رایج درباره زنان و دختران است.

واژه‌های کلیدی: کودک‌همسری، مطالعه کیفی، نظریه زمینه‌ای، بندرعباس.

* نویسنده مسؤول

مرادی، مهدیه؛ رستگار، یاسر و ظهیری‌نیا، مصطفی. (۱۴۰۳). طراحی یک مدل پارادایمی از پدیده کودک‌همسری در شهر بندرعباس. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۳(۳)، ۱-۲۶. <https://doi.org/10.22108/srsp.2024.140860.1982>.



3041-8623/ © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2024.140860.1982>

مقدمه

پدیده کودک همسری فارغ از جنسیت عبارت است از ازدواج کودکانی که زیر ۱۸ سال انجام شده باشد (حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۷). ازدواج کودکان از سوی چندین کنوانسیون، معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک، به‌عنوان نقض حقوق اساسی بشر شناخته شده است (UNICEF, 2014). با این حال، وجود ابزارهای قانونی منع ازدواج کودکان از سوی جامعه بین‌المللی برای از بین بردن این عمل کافی نیست. علاوه بر این، در برخی از کشورها با وجود چارچوب‌های قانونی قوی که این عمل را ممنوع می‌کند، اجرای ممنوعیت ازدواج کودکان در بیشتر مواقع ناموفق و ضعیف بوده است و درصد دختران و پسرانی که در دوران کودکی ازدواج می‌کنند، همچنان درخور توجه (Misunas et al., 2019: 10) و در بسیاری از نقاط جهان، فراگیر است. طبق برخی گزارش‌ها، روزانه ۳۹۰۰۰ دختر، کودک همسر می‌شوند (Elnakib & Malhorta, 2020: 1-3).

برای نمونه شیوع ازدواج کودکان در شرق و جنوب آفریقا، ۳۶ درصد بیشتر از میانگین جهانی بوده است و ۱۰ درصد از دختران آن منطقه، قبل از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند. با این حال، شیوع در داخل و بین کشورها متفاوت است، از ۵۲ درصد در سودان جنوبی گرفته تا ۱۹ تا ۶ درصد در آفریقای جنوبی و در دیگر مناطق جهان، به این معنی است که تعداد کودک همسران هر سال در حال کاهش است؛ اما در آفریقا چنین نیست و به دلیل بالا بودن تعداد کودک همسران، کاهش دوبرابری ازدواج‌های در حال وقوع کودک همسران نیز پاسخگوی این مسئله نیست و میلیون‌ها دختر دیگر در معرض کودک همسری قرار می‌گیرند. در صورت تداوم روند فعلی، تقریباً نیمی از کودک همسران جهان در سال ۲۰۵۰ آفریقایی خواهند بود، اگرچه ازدواج کودکان در بیست سال گذشته کاهش یافته است (Efevbera & Farmer, 2021: 1-7).

درباره کشور ایران نیز گزارش‌های رسمی سازمان ثبت‌احوال حاکی از آن است که از سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۱

ازدواج‌های در سنین ۱۴ سال و کمتر برحسب سن زوجه ۵/۶ تا ۴/۹ درصد از کل ازدواج‌های ثبت‌شده در کشور را به خود اختصاص داده است و با توجه به داده‌های آماری در پنج سال اخیر، در گروه جمعیتی دختران ۱۴ سال و کمتر، دارای تغییرات و نوساناتی بوده است، به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۱ دارای روند صعودی ۲ درصدی بوده است، این روند در سال ۱۳۹۲ تغییر چندانی نکرده است، در سال ۱۳۹۳ با ۲/۵ درصد سیر نزولی داشته است، این روند تا ۱۳۹۴ ادامه پیدا کرده و در سال ۱۳۹۵ بار دیگر روند صعودی داشته است. طبق این آمار، روند ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر با آهنگی کند دارای نوسان است؛ اما باید به این نکته توجه کرد که ازدواج‌های غیر ثبتی در این گروه سنی، لحاظ نشده است. همین گزارش نشان می‌دهد حتی در گروه سنی زیر ۱۰ سال، ۲۳۳ ازدواج رسمی ثبت‌شده وجود دارد که این موضوع جای تأمل فراوان دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹-۱۳۹۵).

استان هرمزگان نیز به مانند دیگر استان‌های جنوبی ایران، با این پدیده روبه‌رو است. در سال ۱۳۹۹ در این استان، ۲۷۴ پسر زیر ۱۴ سال و ۳۹۷ نفر زیر ۱۹ سال و ۱۳۶ دختر زیر ۱۴ سال و ۴۲۹۸ نفر زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹-۱۳۹۵). مقایسه تعداد ازدواج دختران زیر ۱۱ سال نشان می‌دهد که تعداد ازدواج نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است. به‌طور کلی استان هرمزگان هر ساله در لیست استان‌هایی جای دارد که بیشترین آمار ازدواج کودکان در آن رخ داده است و از جمله استان‌هایی است که ازدواج‌های ثبت‌نشده یا با تأخیر به ثبت رسیده به‌وفور در آن دیده می‌شود؛ بنابراین تعداد ازدواج‌های موجود، بدون شک آماری بیشتر از چیزی خواهد بود که ارائه شده است (مظفری، ۱۳۹۵).

کودک همسری متأثر از شرایط و بسترهای متنوعی است (Cameron et al., 2019: 7). رامبل و همکاران^۱ (2018) نشان می‌دهد که در اندونزی، تحصیلات و ثروت در اوایل ازدواج کودکان بازخورد محافظتی دارد و تغییرات زیادی در زندگی

¹ Rumble et al.

زودرس بین نسلی بوده است (de Groot et al., 2018: 2). دختران درگیر مسئله کودک‌همسری همواره متکی به دیگران بوده و قدرت تصمیم‌گیری بالایی در زندگی خود نداشته‌اند که این امر به کاهش کیفیت زندگی آنها منجر می‌شود و همچنین به دلیل اینکه این دختران مهارت و توانایی خاصی ندارند، نیروی فعال در جامعه نیستند؛ بنابراین با کاهش سرمایه انسانی، پایین‌آمدن مشارکت زنان و در نتیجه کم‌رنگ‌شدن نقش زنان در جامعه مواجه می‌شویم.

با توجه به گستردگی پدیده کودک‌همسری در شهر بندرعباس، پژوهش حاضر قصد دارد به سه سؤال اساسی پاسخ دهد:

زمین‌ها و عوامل شکل‌گیری پدیده کودک‌همسری دختران چیست؟ دختران در این موقعیت چه راهبردهایی اتخاذ می‌کنند و در نهایت اینکه پیامدهای ازدواج زود هنگام برای دختران چیست؟

بررسی پیشینه

طبق مطالعات پیشین داخلی و خارجی انجام‌شده درباره پدیده کودک‌همسری، عوامل مختلفی را متناسب با وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه بررسی کرده‌اند.

نتایج تحقیق احمدی (۱۴۰۰) با عنوان «چالش‌های ازدواج زود هنگام در ایران از منظر حقوقی و دینی»، گویای این مطلب بوده است که این رسم یک نهاد تکریم‌شده اجتماعی و جهانی تعریف شده است که نه تنها در مناطق شهری و روستایی رواج داشته است، در حقیقت به اتفاقی روزمره در مقابل هنجارهای جنسی نهفته در فرهنگ و کلیشه‌های جنسی تبدیل شده است. دلالت‌های ازدواج زود هنگام دختران فراتر از به دام افتادن بی‌رحمانه این دختران خردسال در هنجارهای فرهنگی آسیب‌زاست؛ زیرا ازدواج زود هنگام کودکان، آثار چشمگیر اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و سلامتی را در پی دارد که نه تنها توسعه پایدار جهانی را به تأخیر می‌اندازد، نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر خود قرار

آنان، به‌ویژه در زندگی دختران ایجاد می‌کند و گذر ناگهانی برای پذیرش نقش‌ها و مسئولیت‌های بزرگ‌سالی قبل از آمادگی برای پذیرش نقش‌های جدید در آنان ایجاد می‌کند. تحقیقات مستمر در این زمینه، گویای آن است که پدیده کودک‌همسری دارای پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، دموگرافیک و بهداشتی بوده است و خانواده و جوامع نقش بسزایی در آن داشته‌اند (John et al., 2018: 853) و همچنین عوامل اقتصادی و هنجاری انعطاف‌پذیر و به هم پیوسته، مانند فقر، بی‌سوادی، سنت‌گرایی، مردسالاری و غیره... موقعیت، قابلیت‌ها و انتخاب زنان را تضعیف می‌کند (Abera et al., 2020). ازدواج زود هنگام با محدود کردن فرصت‌های قربانیان برای تحصیل، کسب مهارت، توسعه شخصی و حتی تحرک، به‌طور مؤثر به دوران کودکی پایان و از سوی دیگر خطرات شروع زود هنگام ارتباط جنسی، بارداری و بچه‌دار شدن در نوجوانان و غیره را افزایش می‌دهد که نتایج منفی آنها با اندام رشد نیافته دختران و نداشتن آگاهی کافی درباره رفتارهای جنسی و باروری‌های ناسالم افزایش می‌یابد و در مجموع این آثار ازدواج زود هنگام، سلامت دختران و زنان جوان، بهزیستی روانی - اجتماعی و کیفیت کلی زندگی آنان را تضعیف می‌کند و نه تنها یک مسئله جدی بهداشت عمومی است، خشونت خانگی را نیز تشدید می‌کند.

اگرچه ازدواج زود هنگام هم در میان دختران و هم در میان پسران وجود دارد، واقعیت تلخ جامعه، دال بر این است که عواقب آثار پدیده کودک‌همسری برای دختر بچه‌ها به مراتب جدی‌تر و خطرناک‌تر است (احمدی، ۱۳۹۶). کودک‌همسران دختر به دلیل نداشتن تعادل قدرت در ازدواج خود، بیشتر در معرض خشونت شریک جنسی، سلامت روانی و قدرت تصمیم‌گیری محدودند. ازدواج کودکان نیز با پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و روان‌شناختی همراه است و باعث وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین و نرخ فقر بیشتر در بین کودک همسران شده است. علاوه بر این پیامدهای نامطلوب، ترویج ازدواج

می‌دهد. طبق پژوهش دیگری از احمدی (۱۴۰۰) با عنوان «زنانه‌شدن فقر، علت‌ها و پیامدها»، ازدواج‌های موسوم به کودک‌همسری در ایران گویای این بوده است که کودک‌همسری، به‌طور مستقیم افزایش فقر جنسیتی را در جامعه روشن می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه کودک‌همسری با نهادهای مختلف اجتماعی در ارتباط است تا خطر فقر زنان به‌صورت مطلق و همچنین در مقایسه با مردان را به تصویر بکشد. کودک‌همسری با قراردادن کودکان در نقش افراد بزرگسال، مانند اقدام برای بارداری‌های متعدد، محدودیت دسترسی به فرصت‌های تحصیلی و درآمدزایی، محرومیت اجتماعی اجباری، بیوه‌شدن زودهنگام و رهاسدن و به دام انداختن بازماندگان در چرخه نسلی نقش‌های قدیمی، زندگی نسل حاضر و نسل آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی دیگر از مطالعات احمدی (۱۴۰۰) با عنوان «نقش ازدواج موقت در ترویج کودک‌همسری در ایران»، این مطلب را بیان کرده است که ثبت‌نشدن ازدواج موقت، یکی از عوامل مؤثر در روند رو به افزایش کودک‌همسری در ایران است و چون این نوع ازدواج‌ها به‌طور رسمی ثبت نمی‌شوند، ردیابی آنها کار ساده‌ای نیست. بدون تردید ثبت‌نشدن ازدواج موقت نه‌تنها میزان شیوع کودک‌همسری را در ایران برجسته می‌کند، به جلوگیری از قاچاق جنسی و تجاوز جنسی در کودکان نیز کمک می‌کند.

نتایج تحقیق جوادیان و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «زمینه‌ها و پیامدهای ازدواج زودهنگام دختران ۱۶-۱۳ ساله شهرستان اردکان یزد»، نشان داده است زمینه‌های متعددی اعم از برآورده‌نشدن نیازهای مالی، عاطفی، تفریحی و جنسی متناسب با اقتضای شرایط سنی و امیدواربودن به برآورده‌شدن نیازها از سوی همسر، تبعیت از ساختار خانواده، نداشتن مهارت‌های کافی برای تصمیم‌گیری و تابع خانواده بودن، اعمال محدودیت‌هایی اعم از تنهایی بیرون رفتن دختران با دوستان، کنترل نوع پوشش و حجاب که به‌نوعی موجب دلزدگی و فرار دختران از منزل را در بر داشت، اعتقادات و باورهای فرهنگی- مذهبی، بلوغ زودرس، رابطه قبل از ازدواج

و اصرار خواستگاران، دغدغه‌ها و نگرانی‌های والدین با بالا رفتن سن دختران و کاستن نشاط آنها و نداشتن خواستگار موجب افزایش ازدواج کودکان شده است. مقدادی و جوادیپور (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن» را انجام داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد مواردی از قبیل تبعیض و نابرابری جنسیتی، کالابودن دختران (برای معاملات و حل و فصل کردن اختلافات خانوادگی و قبیله‌ای)، فقر خانواده، کنترل روابط جنسی، حفظ عزت خانواده، سنت و فرهنگ، عواملی زمینه‌ساز برای ازدواج زودهنگام بوده است که عواقبی مانند خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی را از سوی همسران بر دختران داشته است. طبق تحقیقات احمدی (۱۳۹۶)، در کتاب طنین سکوت، با عنوان پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام در ایران، وقوع این پدیده به دلایلی از جمله تبعیت و دنباله‌روی خاص از آداب و رسوم، تبعیت از فشارهای اجتماعی، هنجارهای جنسیتی، اعتقادات مذهبی (باور به مقدس بودن ازدواج)، تابوهایی مانند روابط عاطفی و جنسی قبل از ازدواج و پایین بودن سطح تحصیلات والدین شکل می‌گیرد.

مظفری (۱۳۹۵) طی پژوهشی در کتاب حلقه، نگاهی به ازدواج زودهنگام در ایران، به عواملی همچون فقر، نداشتن پوشش اقتصادی مناسب در خانواده‌ها، فقدان آزادی و نقض حقوق کودکان، فقر فرهنگی، پابندی به باورهای غلط، اعتقادات مذهبی، محافظت از فرزندان از فحشا (رابطه‌های جنسی) در بروز و ظهور کودک همسری اشاره کرده است.

طی تحقیق انجام‌گرفته در مطالعات خارجی، بررسی تجربیات ازدواج کودکان در بین دختران و پسران در اتیوپی از سوی امیری و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، وجود هنجارهای سنتی که از نابرابری‌های جنسیتی حمایت می‌کند، مانع شکوفاشدن استعداد دختران و به دست نیاموردن شایستگی‌های فیزیکی، اقتصادی و آموزشی می‌شود. نوجوانان دختر انتخاب‌های

¹ Emirie et al.

بسیار محدودی برای زندگی آینده خود دارند که ازدواج یکی از این انتخاب‌هاست، این امر راهی برای ورود دختران کودک به بزرگسالی، ارزشمند بودن در میان جوامع و فرار از زندگی خانگی تحمل‌ناپذیر است. پسران در این جوامع برای نشان دادن بزرگسالی، تأمین وراثت یا ادامه دادن خط خانواده و مردانگی هژمونیک که در آنان وجود دارد، به ازدواج تن می‌دهند. در تحقیق انجام شده با عنوان «شیوه‌های ازدواج کودکان در میان روهینگایی‌ها در بنگلادش در سال ۲۰۲۰»، توسط ملنیکاس و همکاران^۱ (2020)، برای محافظت از امنیت بدنی، جایگزین کردن نقش خود به عنوان مادر، پیروی از هنجارهای مذهبی و ایمن بودن از بحران‌هایی مانند مهاجرت و پناهندگی، پیشگیری از دست دادن معیشت و کاهش فرصت‌های اقتصادی، به دست آوردن آزادی و حمایت آموزشی، به کودک همسری منجر شده بود. میسوناس^۲ (2019) در تحقیقی درباره ازدواج پسران زیر ۱۸ سال، به پیامدهای سلامت جنسی و باروری اشاره کرده است؛ مردانی که در کودکی ازدواج کرده‌اند، به دلیل ناآگاهی از روش‌های پیشگیری از بارداری، باعث باروری ناخواسته بیشتر زنان شده‌اند و در مراحل بعدی زندگی، این پسران با مسئولیت‌هایی از جمله پیش‌رسی پدر شدن و تأمین امور خانواده روبه‌رو می‌شوند که به سرخوردگی و انزوا در زندگی آنان منجر می‌شود. رامبل و همکاران (2018) نشان داده‌اند که هنجارهای نابرابر جنسیتی یکی از عواملی است که باعث ازدواج کودکان شده است؛ برای مثال ایجاد قوانین و آداب و رسومی که دختران را از تصمیم‌گیری یا حقوق اقتصادی و سیاسی منع می‌کند و نگرش‌های سنتی درباره جنسیت و نقش زنان در جامعه، بر ازدواج کودکان تأثیر می‌گذارد. پترونی و همکاران^۳ (2017) طی تحقیقات مختلف در راستای ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال در کنیا، سنگال، اوگاندا و زامبیا، یافته‌های ازدواج کودکان در ۴ کشور را در قالب پژوهش‌های

بررسی شده برای شناسایی عوامل محرک ازدواج کودکان و استفاده از درک و تجربه آنها در راستای جلوگیری از این پدیده ارائه داده‌اند. براساس این یافته‌ها، ازدواج کودکان در هنجارهای نابرابری جنسیتی ریشه دارد و نقش زنان را به عنوان همسر، مادر و سرپرست خانواده در اولویت قرار می‌دهد. نتایج مطالعه ایفوبر و همکاران^۴ (2021) نشان می‌دهد که زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی به ازدواج زودهنگام در بین دختران منجر شده است که مهم‌ترین آنها فقر است و بیشترین نرخ ازدواج در کشورهای فقیر مانند آفریقا، بنگلادش و ... رخ می‌دهد. یکی از علل‌های دیگر وقوع این پدیده، فقدان قوانین و یا اجرانشدن قوانین بوده است که دچار هنجارهای فرهنگی و اجتماعی شده و پیامدهای مخربی شامل به خطر افتادن سیستم بیولوژیکی مادر خانواده و تأثیرات منفی اجتماعی بر زندگی آنها داشته است. ال ناگار و همکاران^۵ (2017) تحقیقی در ایالت سرخ سودان به عواملی مانند فقدان امکانات آموزشی، کیفیت پایین آموزش، هنجارهای تبعیض جنسیتی، تعصب و محافظه‌کار بودن نسبت به سنت‌ها، فقر و مقاومت گروه‌های مذهبی نسبت به اصلاح قانون حداقل سن ازدواج و شرایط محلی موجب ترغیب و افزایش کودک همسری در منطقه شرقی، ایالت دریای سرخ سودان شده و در روستاها رشد و گسترش بیشتری یافته بود. طی تحقیق انجام شده به وسیله سیگل و همکاران^۶ (2016)، با موضوع تجربه ازدواج زودهنگام در اسرائیل: رویکردهای زنان مسلمان و شاغل، دختران ازدواج زودهنگام را به سبب تجربه عشق در چارچوب مشخص فرهنگ و آداب و رسوم، راهی برای دست‌یافتن به آزادی، برطرف کردن فقر و مسائل خانوادگی انجام داده‌اند، در مقابل سرگذشت و روایت زندگی زنان متأهلی آورده شده است که در کودکی ازدواج کرده و معقدند ازدواج باعث ایجاد مشکلات جدید و رهانشدن از مشکلات گذشته، افزایش فقر اقتصادی و فرهنگی شده است.

⁴ Efevbera et al.

⁵ El Nagar et al.

⁶ Siegel et al.

¹ Melnikas et al.

² Misunas

³ Petroni et al.

با مرور بر پیشینه‌های داخلی و خارجی دربارهٔ زمینه‌های پدیدهٔ کودک‌همسری، مشاهده می‌شود که پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر مسائل نقض حقوق کودک، علل و پیامدهای ازدواج زودهنگام و آسیب‌های جسمانی و روحی زنان را بررسی کرده‌اند.

مبانی نظری

در کار کیفی، استفادهٔ مستقیم از نظریه‌ها کمتر مدنظر است؛ بنابراین در این پژوهش نیز مرور نظریه‌ها تنها برای افزایش حساسیت نظری محقق انجام شده است.

نظریه‌پردازان علوم اجتماعی بیشتر استدلال می‌کنند که نیروهای فرهنگی در ازدواج کودکان نقش عمده‌ای دارند. مهم‌ترین نیروهای فرهنگی زمینه‌ساز این امر، باورهای مذهبی و شیوه‌های سنتی و قومی است. مطالعهٔ چودوری^۱ (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که هنجارهای فرهنگی، باورهای سنتی، ترس از تجاوز دختران، از دست رفتن زیبایی دختران و جلوگیری از برچسب‌خوردن، از مهم‌ترین دلایل ازدواج زودهنگام است. علاوه بر آن کاسیناموندا^۲ (۲۰۱۷) نیز در مطالعات خود نشان می‌دهد که منشأ ازدواج‌های کودکان، فرهنگ سنتی دربارهٔ مفهوم جنسیت و زنانگی است. او که سال‌ها مسئلهٔ ازدواج کودکان را در آفریقا بررسی کرده است، بر این باور است که معنای زنانگی و جنسیت در آفریقای مرکزی طی صدها سال در آنجا ریشه دوانده است و برای فهم لایه‌های عمیق و پنهان کودک‌همسری، ضمن توجه به فقر محیطی و عقب‌ماندگی اقتصادی، باید به ساختارهای فرهنگی و زبانی این کشورها رسیدگی شود. همچنین مورگان^۳ (۱۹۹۲)، ماهیت ازدواج را در مدل نهادی بررسی کرده است. در مدل ازدواج به‌عنوان یک نهاد، ویژگی‌هایی مانند آزادی کمتر در انتخاب همسر، تأثیرپذیری ازدواج از الزامات شدید اجتماعی و خویشاوندی، تأکید بر ابعاد اقتصادی و عمومی ازدواج، مجموعه‌ای از

روابط و شبکه‌های اجتماعی، نابرابری نسبی و پدرسالاری، تأکید کمتر بر تمایلات جنسی و اهمیت رابطهٔ جنسی برای تولیدمثل و حاملگی مطرح است. از سوی دیگر رینولدز و منسفیلد^۴ (۱۹۹۹) معتقد است مسئلهٔ ازدواج کودکان از نظر ساخت قدرت در خانواده نیز تحلیل‌شدنی است و در نظریهٔ خود دربارهٔ توزیع قدرت در خانواده‌ها، معتقد است خانواده‌هایی که در آنها زن و شوهر سهم یکسانی از قدرت دارند، خانواده‌های از نظر توزیع قدرت برابر یا متعادل‌اند، بنابراین کمتر پدرسالارند و خانواده‌هایی که در آنها زن و شوهر قدرت یکسانی ندارند یا همان خانواده‌های نابرابر و نامتعادل از نظر توزیع قدرت، سطوح بالایی از پدرسالاری را تجربه می‌کنند. چگونگی و شیوه‌های تصمیم‌گیری در این خانواده‌ها در وجه ترغیب، تحریک، اجبار و تعهد افراد دیده می‌شود؛ به این معنا که براساس ترغیب و مجاب‌سازی یا بر مبنای اجبار و زور به مرحلهٔ اجرا درمی‌آیند (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵). وودهد^۵ (۲۰۰۹)، نظریهٔ کودکی را محصول معناسازی انسان و متأثر از دانش و باورهای فرهنگی و شکل‌دهندهٔ فعالیت‌های فرهنگی مربوط به کودکان می‌انگارد و رشد کودکان عمدتاً از طریق روابطشان با بزرگسالان محقق می‌شود. دیدگاه اجتماعی و فرهنگی ویگوتسکی^۶ (۱۹۷۸) دربارهٔ رشد کودکان چنین است: «رشد اجتماعی کودکان بیشتر نتیجهٔ کنش‌های جمعی است که محل انجام آنها جامعه است».

کورسارو^۷ (۱۹۴۸)، دو الگوی متفاوت از فرایند جامعه‌پذیری کودکان را مطرح می‌کند: نخست الگوی جبرگرایانه، مدلی که براساس آن کودک اساساً منفعل است. براساس این دیدگاه، کودک در آن واحد، هم موجودی شکل‌نیافته با امکان بالقوهٔ مشارکت در حفظ جامعه در نظر گرفته می‌شود و هم اینکه باید از طریق آموزش دقیق کنترل شود. درواقع جامعه، کودک را به شکل دلخواه خود درمی‌آورد؛ در مدل دوم، یعنی مدل

^۴ Reynolds & Mansfield

^۵ Woodhead

^۶ Vygotsky

^۷ Corsaro

^۱ Chowdhury

^۲ Kasinamunda

^۳ Morgan

اجتماعی و درونی درمی‌یابند که تشکیل خانواده برای آنها پاداش‌هایی را به همراه می‌آورد که در هیچ گروه دیگری وجود ندارد، اگرچه جنس پاداش‌هایی متفاوت است که زن و مرد در اختیار یکدیگر می‌گذارند.

از مرور نظریه‌ها استنتاج می‌شود تعاریف و نظریات متفاوتی درباره ماهیت ازدواج و سن مناسب آن وجود دارد، اما نکته حائز اهمیت درباره ازدواج این است که هر فرهنگ و کشوری دید مختص به خود را در این زمینه دارد و الگوی ازدواج در میان کشورها و حتی درون یک کشور، در میان گروه‌های قومی متفاوت است.

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر، کیفی و بر مبنای پارادایم تفسیری انجام شده است. راهبرد اجرای این مطالعه، رویکرد نظریه زمینه‌ای سیستماتیک به شیوه استراوس و کوربین^۴ (2022) بوده است. میدان مطالعه ما در این پژوهش، دختران درگیر پدیده کودک‌همسری در شهر بندرعباس‌اند. نمونه‌گیری پژوهش حاضر، براساس نمونه‌گیری نظری و هدفمند است. پژوهشگر با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، آگاهانه با افرادی گفت‌وگو کرده است که تحت مطالعه یا جنبه‌هایی از آن، اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتاً کافی را داشتند.

در این پژوهش فرایند نمونه‌گیری تا حد اشباع نظری، یعنی تا جایی ادامه پیدا کرد که در جریان مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامد و درنهایت ۲۱ نفر از دخترانی انتخاب شدند که زیر سن ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند. گفتنی است اشباع زمانی حاصل شد که داده‌های اضافی به تکمیل و شناسایی یک دسته نظری کمک نکردند و نمونه‌ها پس از آن مشابه به نظر می‌رسیدند؛ از این رو در این مطالعه، از مصاحبه ۱۲ به بعد، کسب داده‌های جدید کم‌کم شیب نزولی محسوس پیدا کرد که در مصاحبه ۱۸ به پایین‌ترین حد خود رسید و در مصاحبه ۱۹ تقریباً همان داده‌های قبلی تکرار شدند.

سازه گرا، کودک به مثابه عاملی فعال و مشتاق آموزش در نظر گرفته می‌شود. براساس این دیدگاه، کودک دنیای اجتماعی و جایگاهش را در این دنیا به روشی فعالانه می‌سازد.

همچنین نظریه گزینش معقولانه هکتر^۱ (2006) بیشتر به ازدواج از دیدگاه فایده‌گرایانه می‌نگرد. براساس این تئوری، افراد زمانی تن به ازدواج می‌دهند که سود و منفعتی برای آنها در بر داشته باشد؛ یعنی بتوانند از طریق ازدواج، جایگاه و منزلت اجتماعی خود را حفظ و یا کسب کنند، در غیر این صورت ممکن است سن ازدواج به تأخیر بیفتد. ازدواج میان همسایگان بسیار متداول است که معمولاً از لحاظ شغل، درآمد و دیگر ویژگی‌های قشری مشابه هم‌اند. البته هر خانواده‌ای در جامعه از طریق روابط اجتماعی که برای فرزندان خود ایجاد می‌کند، امکان ازدواج نامتجانس را کم و امکان ازدواج متجانس را زیاد می‌کند (اعزازی، ۱۳۹۴).

پین^۲ (2022) جامعه را اجزای به هم پیوسته می‌بیند و در نظریه خود لازم می‌داند که رابطه بین اجزا را همانند رابطه بین یک سیستم و یا سیستم‌های دیگر اجتماعی بررسی کند. در نظریه سیستمی، ازدواج کودک تنها به منزله یک تصمیم شخصی یا خانوادگی تحلیل نمی‌شود، بلکه محصول روابط سیستم‌های گوناگون در یک جامعه است که افزایش یا کاهش این پدیده را در پی دارد. سیستم‌های خانواده، مدرسه، محله، فرهنگ، دین، سیاست، قوانین و... از جمله سیستم‌هایی‌اند که در این پدیده دخیل‌اند و تحلیل صحیح روابط این سیستم‌ها و تأثیر آن بر بروز ازدواج زودهنگام، به روشن‌تر شدن زوایای این پدیده یاری می‌رساند. بلاو^۳ (2002) در نظریه مبادله، در چرخه‌ای به نام فراگرد تبادل، نشان می‌دهد بیشتر رفتارهای بشری براساس منفعتی است که از تبادل بین فردی آغاز می‌شود، سپس به تبادل بین فرد و گروه برای تمایز منزلت و قدرت، مشروعیت و سازمان‌یافتگی و درنهایت دگرگونی اجتماعی می‌شود. بر این اساس، زن و مرد براساس نیازهای

¹ Hechter

² Payne

³ Blau

⁴ Strauss & Corbin

با وجود این برای کنترل معیارها و اطمینان بیشتر، دو مصاحبه دیگر انجام شد و دقیقاً داده‌ها و مقولات مصاحبه‌های قبل تکرار شدند. بنابراین با انجام مصاحبه ۲۱، فرایند داده‌یابی متوقف شد.

مصاحبه‌ها بسته به علاقه و کیفیت پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، هرکدام بین ۴۰ دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید. همچنین داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و با رویکرد سه‌مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شده است.

در کدگذاری باز، داده‌ها به قسمت‌های مجزا خرد و تحلیل کلمه به کلمه، عبارت به عبارت و سطر به سطر با دقت بررسی و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه شده‌اند. رویدادها، حوادث، اشیا و عمل/ تعامل‌هایی که از لحاظ مفهوم، ماهیت یکسان دارند، یا از لحاظ معنا به هم مربوط‌اند، ذیل مفهوم‌های انتزاعی‌تری قرار می‌گیرند که آنها را «مقوله» می‌نامیم. شایان ذکر است که معاینه دقیق داده‌ها برای یافتن تفاوت‌ها و شباهت‌ها، امکان تشخیص و تمیز تفاوت‌های ظریف میان مقوله‌ها را میسر کرده است (Strauss & Corbin, 2022).

کدگذاری محوری عبارت است از سلسله رویه‌هایی که پس از کدگذاری باز انجام می‌شوند تا با برقراری پیوند بین مقوله‌ها، اطلاعات را به شیوه‌های جدیدی با یکدیگر مرتبط کنند. مقولات قدرت مفهومی دارند؛ زیرا قادرند گروهی از مفاهیم یا خرده مقولات را به یکدیگر پیوند دهند. در این مرحله کدهایی که قطعه‌قطعه شده‌اند، برای حصول روابط معنادار دوباره گرد هم می‌آیند و سرانجام مرحله نهایی کدگذاری گزینشی (انتخابی) از روند انتخاب مقوله هسته، به‌طور منظم و ارتباط‌دادن آن با دیگر مقوله‌ها، اعتباربخشیدن به روابط و پرکردن جاهای خالی با مقول‌هایی

انجام می‌شود که به اصلاح و گسترش نیاز دارند. مرحله کدگذاری گزینشی یا انتخابی برای یکپارچه‌کردن و پالایش مقوله‌هاست (Strauss & Corbin, 2022). در این مرحله محقق پیوسته کدگذاری‌ها و طبقه‌بندی‌های قبلی را با یکدیگر مقایسه می‌کند و به این ترتیب کار محقق با داده‌های قبلاً کدگذاری و طبقه‌بندی‌شده پایان نمی‌یابد، بلکه داده‌ها به‌طور پیوسته در فرایند مقایسه و تحلیل وارد شده و تا پایان تحلیل به تکمیل مراحل بعدی کمک کرده‌اند. در پژوهش حاضر، مقوله‌های نهایی در یک مدل از پیش تعیین شده (مدل پارادایمی) بازنمایی می‌شوند.

برای بررسی اعتبار داده‌های پژوهش از تکنیک‌های مثلث‌سازی (چندبعدی‌کردن) و کسب اطلاعات دقیق موازی نظیر نمایش و تکنیک کنترل اعضا استفاده شد. درنهایت، محقق تلاش کرد همه اطلاعات، مفاهیم و مقوله‌ها را با غنای فراوان و شواهد گسترده از متن سخنان مشارکت‌کنندگان بررسی، تحلیل و تفسیر کند و به این طریق بر غنای نتایج بیفزاید.

اخلاق در پژوهش

محقق، تمام توان خود را به کار گرفت تا وظایف اخلاقی‌اش را در برابر مصاحبه‌شوندگان انجام دهد. انجام اعتمادسازی، کسب رضایت قلبی و آگاهانه از ضبط صدای افراد مصاحبه‌شونده، حفظ بی‌نامی و استفاده از نام‌های جعلی، محرمانه‌بودن اطلاعات و برخورداری از حق کناره‌گیری از پژوهش، از جمله ملاحظات اخلاقی لحاظ‌شده در مطالعه بوده است.

جدول ۱- اطلاعات مصاحبه‌شوندگان در پژوهش

Table 1- The Information of interviewees

ردیف	سن ازدواج	مدت ازدواج	سن ازدواج همسر	تحصیلات	تحصیلات همسر	شغل	شغل همسر
۱	۱۳	۵ (ماه)	۱۹	هفتم	دیپلم	خانه‌دار	سرباز
۲	۱۶	۱ (سال)	۲۰	دیپلم	دیپلم ناقص	خانه‌دار	شاگرد مغازه
۳	۱۶	۱ (سال)	۲۰	دهم	سیکل	خانه‌دار	راننده
۴	۱۵	۶ (ماه)	۱۹	نهم	دیپلم	خانه‌دار	سرباز
۵	۱۴	۷ (ماه)	۲۰	هشتم	فوق دیپلم	خانه‌دار	نصاب لوله
۶	۱۴	۵ (ماه)	۲۱	هشتم	دیپلم	خانه‌دار	راننده
۷	۱۴	۸ (ماه)	۲۰	هفتم	دیپلم	خانه‌دار	کارگر شرکت فولاد
۸	۱۵	۷ (ماه)	۲۲	هشتم	دیپلم	خانه‌دار	بارشمار اسکله
۹	۱۴	۶ (ماه)	۲۰	هفتم	سیکل	خانه‌دار	کارگر اسکله
۱۰	۱۴	۶ (ماه)	۲۳	هفتم	دیپلم	خانه‌دار	راننده
۱۱	۱۵	۹ (ماه)	۲۲	هشتم	دیپلم	خانه‌دار	مغازه‌دار
۱۲	۱۶	۱۰ (ماه)	۲۲	دهم	سیکل	خانه‌دار	مغازه‌دار
۱۳	۱۵	۱ (سال)	۲۱	هشتم	دیپلم	خانه‌دار	انباردار
۱۴	۱۴	۵ (ماه)	۱۹	هفتم	سیکل	خانه‌دار	سرباز
۱۵	۱۴	۷ (ماه)	۲۰	هفتم	دیپلم	خانه‌دار	راننده
۱۶	۱۴	۳ (ماه)	۲۴	دیپلم	فوق دیپلم	خانه‌دار	بارشمار شرکت فولاد
۱۷	۱۴	۷ (ماه)	۲۲	دهم	دیپلم	خانه‌دار	کارگر اسکله
۱۸	۱۴	۳ (سال)	۲۸	دیپلم	دیپلم	خانه‌دار	نگهبان
۱۹	۱۶	۲ (سال)	۲۲	دهم	دیپلم	خانه‌دار	مغازه‌دار
۲۰	۱۳	۴ (سال)	۲۳	دیپلم	دیپلم	خانه‌دار	نگهبان شرکت
۲۱	۱۶	۶ (سال)	۲۱	فوق دیپلم	دیپلم	آنلاین شاپ	راننده

یافته‌های تحقیق

شرایط زمینه‌ای کودک‌همسری

در میدان مطالعه، شرایط زمینه‌ای شکل‌گیری پدیده کودک‌همسری، ساختارهای الزام‌آور در بستر سنت ازدواج

بوده است که مقولات فرعی آن عبارت‌اند از: چارچوب‌های عرفی ازدواج، الزامات در فرم ازدواج، کلیشه‌های جنسیتی و چارچوب‌های الزام‌آور مذهبی که هرکدام شرح داده شده است.

جدول ۲- مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با شرایط زمینه‌ساز پدیده کودک‌همسری

Table 2- Concepts and categories of contextual conditions

مقوله نهایی	مقوله فرعی (محوری)	کدگذاری باز
		- ازدواج با اقوام و آشنایان (پسرعمو، پسرخاله، پسر همسایه و...);
	چارچوب‌های عرفی ازدواج	- رایج‌بودن ازدواج با اقوام و آشنایان در بین والدین؛
		- نام‌گذاری فرزندان از کودکی بر هم؛
		- باورها و هنجارهای رایج درباره شکل ازدواج.
ساختارهای الزام‌آور در بستر سنت		- تحمیل و اجبار والدین در پذیرفتن خواستگار و ازدواج؛
	الزامات در فرم ازدواج	- تصمیم‌گیری والدین در نحوه برگزاری مراسم ازدواج؛
ازدواج		- برنامه‌ریزی و خرید لباس کودکان برای ازدواج قبل از داشتن خواستگار.
		- ترس از دست دادن خواستگار و نیامدن خواستگار خوب؛
		- ترس خانواده‌ها از واردشدن به رابطه نامشروع؛
	کلیشه‌های جنسیتی	- ترس از باکرگی درآمدن دختر در خارج از عرف و چارچوب؛
		- تأیید و پذیرفتن خواستگار خوب از سوی والدین؛
		- فشارهای اجتماعی.
	چارچوب‌های الزام‌آور مذهبی	- ازدواج در سن پایین و جلوگیری از فساد؛
		- تأکید دین بر ازدواج زودهنگام.

ساختارهای الزام‌آور در بستر سنت ازدواج

چارچوب‌ها و اصولی در بنیادهای معرفت‌شناختی - ارزشی فرهنگی میدان مطالعه ما در بندرعباس وجود دارد که معنای ازدواج، ارزش ازدواج، ارزش جنسیت و ارزش دختربودن را تعیین می‌کند و به‌صورت ساختارهای عرفی، ساختارهای مذهبی و فرهنگی، نهادینه می‌شود. امر ازدواج زودرس کودکان در این ساختار، احترام به سنت‌ها و باورهای خانوادگی و تقیدات مذهبی است که دختران نیز در این امر مقاومت نمی‌کنند و نمی‌خواهند بخت ازدواج را از دست بدهند. این ساختارها به‌صورت اجتماعی فراگیر شکل گرفته و انتقال یافته است که همچنان نگاه سنتی به ازدواج کودکان وجود دارد. ساختارهای الزام‌آور در بستر سنت ازدواج، از مقوله‌های چارچوب‌های عرفی ازدواج، الزامات در فرم ازدواج، کلیشه‌های جنسیتی و چارچوب‌های الزام‌آور مذهبی انتزاع شده است.

ساختار عرفی در این پدیده، تعیین‌کننده است و جزئیات ازدواج مانند رایج‌بودن ازدواج با اقوام و آشنایان (پسرخاله، پسرعمه، پسر همسایه و...)، ازدواج پدر و مادر به‌صورت

فامیلی، ارجحیت داشتن ازدواج فامیلی نسبت به غریبه‌ها، نام‌گذاری فرزندان از کودکی، رایج‌بودن نام‌گذاری دختر و پسر در بین فامیل، تکرار قول و قرارهای ازدواج از دوران کودکی را مشخص می‌کند.

ملیحه ۲۷ ساله که در ۱۶ سالگی ازدواج کرده است، در این باره اظهار دارد:

«من با پسرخاله‌ام ازدواج کردم، در بین اقوام ما ازدواج بین فامیل و آشنایان صورت می‌گیرد و بیشتر فامیل‌های درجه‌یک، با یکدیگر وصلت می‌کنند؛ حتی پدر و مادرمان هم با یکدیگر فامیل‌اند».

در این مبحث الزامات در فرم ازدواج دربرگیرنده فشارهای اجتماعی است که بیشتر والدین کودک همسران ترس، اضطراب و نگرانی‌هایی از نداشتن خواستگار با بالا رفتن سن کودک، وارد رابطه شدن با جنس مخالف خارج از چارچوب و حرف مردم را داشته‌اند.

زهرا ۱۴ ساله که ازدواج کرده است، در این باره می‌گوید:

«من وقتی ۱۱ ساله بودم و هنوز خواستگار برام نیومده بود، مادرم لباس و شلوارهای بندری واسه عروسم آماده

می‌کرد.»

کلیشه‌های جنسیتی در جامعه هدف، چارچوب و اصولی داشته است که در آن نگاه جنسیتی به‌وفور دیده شده است، تعیین‌کننده جایگاه دختر بوده و ارزش او و باید و نبایدهایی را مشخص کرده است که دختران باید انجام دهند. نرجس ۲۲ ساله که ۶ سال از ازدواجش می‌گذرد، در این باره چنین می‌گوید:

«فشار خانواده بود که من ازدواج کردم، تنها نقشی که داشتند تو زندگی من این بود که اولین خواستگاری که برام اومد، منو بهش بدن؛ چون می‌ترسیدن دیگه برام خواستگار نیاد.»

چارچوب‌های مذهبی، ساختارهای عقایدی را شامل می‌شود که تمسک و پایبندی افراد به آموزه‌های دینی، اعتقادات، باورها و رسم و رسومات مذهبی را از نسل‌های گذشته به ارث بردند. امر ازدواج زودرس کودکان در این ساختار، احترام به سنت‌ها و باورهای خانوادگی و تقیدات مذهبی است که دختران نیز در این امر مقاومت نمی‌کنند و نمی‌خواهند بخت ازدواج را از دست بدهند.

بهار ۱۴ ساله در این باره چنین نقل کرده است:

«در اقوام ما این ذهنیت و عقیده را دارند که دختر تا چشم و گوش بسته هست و مرتکب گناهی نشده است، باید شوهر داد.»

شرایط علی پدیده کودک‌همسری

عوامل و شرایطی که مقوله اصلی را تحت تأثیر مستقیم قرار داده و به وقوع و گسترش پدیده کودک‌همسری انجامیده است، عبارت‌اند از: جبر معیشتی، نگاه فانتزی به ازدواج، راهی به رهایی از محدودیت‌ها، مصائب خانه پدری، وجودداشتن مهارت‌های زندگی که هرکدام تشریح شده است.

جبر معیشتی

عوامل ساختاری پایگاه‌های اقتصادی-معیشتی خانواده در ازدواج کودکان، از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. براساس یافته‌های پژوهش، برخی از کودک‌همسران در

خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که گاهی از نظر مالی در سطح پایینی قرار گرفته‌اند، از نظر رفاهی و آموزشی در تنگنا بوده و تأمین نشده‌اند؛ بنابراین این کودکان برای رهایی از شرایط سخت و دستیابی به شرایط بهتر به ازدواج تن داده‌اند. جبر معیشتی از مقوله‌های شرایط نامساعد اقتصادی خانواده و فقر چندگانه انتزاع شده است.

مهناز ۱۵ ساله در این باره چنین بیان کرده است:

«خیلی از چیزهای که دوست داشتم خانوادم توان مالی نداشتند که برایم تهیه کنند و همیشه بهم می‌گفتند هر وقت ازدواج کردی واسه خودت بخر، منم ازدواج کردم که چیزهایی که می‌خواهم برای خودم بخرم.»

مهرانگیز ۱۴ ساله در این باره می‌گوید:

«نمی‌تونستم ادامه تحصیل بدم؛ چون واقعاً خانوادم توان پرداخت هزینه‌ی مدرسه‌رفتنم نداشتن، ازدواج کردم که همسرم هزینه‌هامو پرداخت کنه.»

نگاه فانتزی به ازدواج

بیشتر کودک‌همسران نگاه فانتزی به ازدواج داشتند و ازدواج را رؤیایی تلقی می‌کردند که آرزوی رسیدن به آن را داشته‌اند. همچنین آنها برای خودشان رؤیابافی‌ها و فانتزی‌های کوچک و بزرگی داشته‌اند که به آن فکر و گاهی در سطح فراتر در آن رؤیا زندگی کرده‌اند. گاهی یک نوع رابطه خاص، چهره خاص، طبقه اجتماعی و فرهنگی خاص و شغل خاص آن‌قدر اوج گرفته است که تصویر خوشبختی برایشان، رسیدن به این فانتزی‌ها بوده است. این ذهنیت آرمانی و خیال‌پردازی ایده‌آل کودکان، به کودک‌همسری منجر شده است. نگاه فانتزی به ازدواج، از مقوله‌های رؤیای‌پردازی ایده‌آل ازدواج کودکان و نگاه رمانتیک به ازدواج انتزاع شده است.

فاطمه ۱۴ ساله در این باره نقل کرده است:

«یکی از آرزوهایم این بود که ازدواج کنیم و بچه دنیا بیاریم و باهم بزرگش کنیم، هم من هم خودش، عاشق بچه‌ایم.»

مانا ۱۳ ساله در این باره بیان کرده است:

«من از بچگی منتظر شب عروسم بودم و با خودم رؤیای‌پردازی می‌کردم و آرزوم این بود که زودتر مراسم برامون بگیرن و مال هم شیم.»

جدول ۳- مفاهیم و مقولات مرتبط با شرایط علی

Table 3- Concepts and categories of causal conditions

مقوله نهایی	مقوله فرعی (محوری)	کدگذاری باز
جبر معیشتی	شرایط نامساعد اقتصادی خانواده	- خوب نبودن وضع مالی خانواده و رهایی از آن شرایط؛
		- دستیابی به شرایط بهتر اقتصادی؛
		- رسیدن به وسایل دلخواه.
		- نیاز به پوشاک مناسب؛
		- نداشتن وعده‌های غذایی؛
		- نداشتن خدمات رفاهی و آموزشی؛
		- نداشتن مسکن مناسب.
		- رؤیای پردازی‌های ازدواج کردن؛
		- لحظه شماری رسیدن به معشوق؛
		- تصویرسازی ایده‌آل و عاطفی از زندگی مشترک.
نگاه فانتزی به ازدواج	رؤیای پردازی برای ازدواج	- وابستگی و احساسی شدن شدید دختر و پسر؛
		- حس خوب داشتن از حرف‌های خواستگار؛
		- داشتن خواسته عاطفی برای ازدواج.
		- اجازه ندادن و سخت‌گیری خانواده برای بیرون رفتن با دوستان؛
		- اجازه نداشتن استفاده از تلفن همراه؛
		- ندادن اجازه پوشیدن لباس دلخواه و آرایش کردن.
		- اجازه ندادن برای ادامه تحصیل مدرسه و رفتن به دانشگاه قبل از نامزدی؛
		- اجازه ندادن برای شاغل شدن قبل از ازدواج؛
		- ندادن اجازه شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری
		- طلاق والدین؛
ازدواج، راهی به رهایی از محدودیت‌ها	محدودیت‌های رفتاری، پوششی، تعاملات و ارتباط با دیگران	- اعتیاد پدر؛
		- ازدواج مجدد والدین و وجود ناپدری و نامادری.
		- جروبحث‌های والدین و کتک‌کاری آنها؛
		- داشتن ذهنیت منفی والدین از داشتن رابطه با جنس مخالف؛
		- کنترل مستقیم فرزندان دختر.
		- فقدان مهارت و قدرت تصمیم‌گیری؛
		- نداشتن قدرت تفکر؛
		- نداشتن مدیریت خودتنظیمی در ازدواج.
		- ناآگاهی از فرایند ازدواج؛
		- فقدان مقابله با هیجان‌های کودکی؛
مصابب خانۀ پدری	مصابب و چالش‌های محیط خانواده	- پایین بودن روابط بین فردی.
		- پایین بودن سطح مهارت‌های شناختی
		- پایین بودن سطح مهارت‌های رفتاری
		- نداشتن مهارت‌های زندگی
		- نداشتن مهارت‌های زندگی
		- نداشتن مهارت‌های زندگی
		- نداشتن مهارت‌های زندگی
		- نداشتن مهارت‌های زندگی
		- نداشتن مهارت‌های زندگی
		- نداشتن مهارت‌های زندگی

ازدواج، راهی به رهایی از محدودیت‌ها

برخی از کودک‌همسران مطالعه‌شده، ازدواج را راهی برای نجات خود از محدودیت‌ها معنا کرده‌اند. این مقوله از کدهای محدودیت‌های رفتاری، پوششی، تعاملات و ارتباط با دیگران و محدودیت‌های اجتماعی (آزادی‌های تحصیلی و شغلی) انتزاع شده است. آنان برای فرار از محدودیت‌های رفتاری، پوششی و تعاملات و ارتباط با دیگران، به ازدواج زودرس تن داده‌اند، محدودیت‌های آنها در خانواده اعم از اجازه‌ندادن پدر برای پوشیدن لباس دلخواه، فقدان اجازه آرایش‌کردن، اجازه‌ندادن و سخت‌گیری خانواده برای بیرون‌رفتن با دوستان، اجازه‌ندادن برای آمدن دوستان به منزل و یا بالعکس، اجازه‌نداشتن برای استفاده از تلفن همراه و نداشتن اجازه به‌جهت تماشای فیلم مورد علاقه بوده است. محدودیت‌های اجتماعی نیز شامل مخالفت والدین برای ادامه تحصیل، منع اشتغال بیرون از منزل، یادگیری فن و حرفه خارج از منزل همراه بوده است. کودکانی که به ادامه تحصیل، یادگیری فن و اشتغال خارج از منزل علاقه داشته‌اند، برای رسیدن به علایقشان و گریز از شرایط محصورکننده و اسفناک، به اولین خواستگار خود، که چه‌بسا وعده حق انتخاب و آزادی را در زندگی مشترک به آنها داده‌اند، ازدواج کرده‌اند.

سارا ۱۴ ساله می‌گوید:

«وقتی برام خواستگار اومد، اینقد ذوق داشتم که دیگه گوش‌دار میشم و هر کاری می‌خوام می‌تونم انجام بدم».

لیلا ۱۵ ساله در این باره چنین بیان کرده است:

«اگه نامزدی نکنیم، اجازه ادامه تحصیل رو نداریم، باید منتظر خواستگار باشیم تا بعدش بتوانیم ادامه تحصیل بدیم و یا کلاسی که دوست داریم بریم».

مصائب خانه پدری

سختی‌ها، ناآرامی‌ها، وجود اضطراب و استرس و چالش‌هایی که در منزل و محیط زندگی برخی از کودک‌همسران بوده است، محیط را برای آنان متلاطم و پراشوب کرده و آنها را وا

داشته است تا از محیط خانه و خانواده دوری کنند و به‌دنبال مکان امن و آرام برای زندگی خود باشند. بنابراین این کودکان برای دوربودن و نجات خود از شرایط تن به ازدواج داده‌اند. این مقوله از کدهای مصائب و چالش‌های خانه پدری و مصائب زیستن با والدین انتزاع شده است. مصائب و چالش‌هایی اعم از طلاق والدین، اعتیاد پدر، ازدواج مجدد والدین و وجود ناپدری و یا نامادری در خانه پدری برخی از کودک‌همسران وجود داشته و زندگی آنان را مختل، ناآرام و همراه با دغدغه کرده است. از نظر آنان دردناک‌تر از منزل پدری وجود نداشته است و زندگی فعلی که شروع کرده‌اند، بسیار بهتر از شرایط گذشته خواهد بود. آنان در زندگی با والدین، مصائب و مشکلاتی مانند جروبحث و کتک‌کاری والدین، داشتن ذهنیت منفی والدین از داشتن رابطه با جنس مخالف و کنترل مستقیم فرزندان دختر را داشته‌اند. این افراد از زندگی خود ناخرسند بوده و از نگاه آنان با ازدواج به حداقل آرامش رسیده‌اند.

نگار ۱۴ ساله در این باره بیان کرده است:

«پدرم اعتیاد داره، تو خونمون همیشه جنگ اعصاب داریم و فقط منتظر این لحظه بودم که یه جوروی از اون خونه بیام بیرون، دیگه افسرده شده بودم، حوصله هیچ‌کس و هیچ‌چیزی نداشتم».

مریم ۱۶ ساله در این باره نقل کرده است:

«پدر و مادرم مادام در حال دعوا و جروبحث بودن، دیگه خسته شده بودم از خونه، دوست داشتم هر جایی برم جز اون خونه».

شرایط مداخله‌گر یا تسهیلگر

در این مطالعه، عوامل تسهیل‌کننده پدیده کودک‌همسری در کنار شرایط علی و زمینه‌ای وجود داشته و به فراهم‌شدن شرایط ازدواج کودکان منجر شده است که به تأیید خانواده‌ها برای ازدواج و عشق و رابطه قبل از ازدواج کودکان اشاره می‌شود.

کرده‌اند، در این باره نقل کرده‌اند:

«زمانی که برایمان خواستگار آمد، مورد تأیید خانواده‌مان بود و می‌گفتند پسرای رفیق‌بازی نیستند، پسرای خیلی خوب، سالم و اهل زندگین و همش ازشون تعریف می‌کردن، ما هم قبول کردیم».

عشق و رابطه قبل از ازدواج

دیگر عوامل تسهیل‌کننده در این مطالعه، دوست‌داشتن‌های دوطرفه و ابراز علاقه قبل از ازدواج به یکدیگر بوده است که خانواده‌ها در این امر نقش بسزایی داشته و بسترهای آن را برای فرزندان خود فراهم کرده‌اند؛ برای مثال به ارتباط کلامی دختر و پسر قبل از ازدواج اشاره می‌شود که باعث ایجاد احساسات و فکرکردن به ازدواج با یکدیگر و به وجود آمدن خواسته‌های عاطفی در آن کودکان شده است.

ساناز ۱۳ ساله (تک‌فرزند) می‌گوید:

«ما چون عاشق همیم و فکر می‌کنم مهم‌ترین چیز برای شروع یک زندگی همین باشه».

راهبردها و استراتژی‌های مواجهه با کودک‌همسری

در ادامه به مجموع راهکارها، برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهایی اشاره می‌شود که کودک‌همسران در مواجهه با موانع پیش رو در زندگی زناشویی به کار گرفته‌اند. افراد مطالعه‌شده استراتژی‌های جبرانی، استراتژی‌های مبتنی بر مقاومت و استراتژی‌های مبتنی بر مدیریت چالش‌ها را به کار گرفته‌اند.

جدول ۴- مفاهیم و مقولات مرتبط با شرایط مداخله‌گر

Table 4- Concepts and categories of intervening conditions

مقوله فرعی (محوری)	مقوله نهایی
- برنامه‌ریزی و خرید لباس کودکان برای ازدواج قبل از داشتن خواستگار؛	تأیید خانواده‌ها
- خوب جلوه دادن ازدواج دیگر کودکان از سوی والدین؛	
- تأیید خواستگار از سوی والدین.	
- حس خوب داشتن از حرف‌های خواستگار؛	عشق و رابطه قبل از ازدواج
- داشتن خواسته عاطفی برای ازدواج و وابسته‌شدن به یکدیگر.	

تأیید خانواده‌ها

طبق یافته‌های پژوهش، یکی از عوامل تسهیل و تسریع‌کننده ازدواج، تأیید خواستگاران از سوی والدین کودک‌همسران بوده است و به دلیل اینکه از نظر فرزندان، والدین آنها باتجربه‌اند و صلاح فرزندان را می‌خواهند، مشارکت‌کنندگان تابع نظر و انتخاب والدین خود عمل کرده‌اند. والدین با برنامه‌ریزی و خرید اقلام عروسی برای کودکان و همچنین خوب جلوه دادن ازدواج و تأیید خواستگاران، کودکان را به سمت ازدواج سوق داده و آنها را به این امر تشویق کرده‌اند.

زینب و رضوان دو خواهر دوقلوی ۱۴ ساله که ازدواج

جدول ۵- راهبردهای مواجهه با کودک‌همسری

Table 5- Strategies for dealing with child marriage

راهبردهای مبتنی بر سازگاری	- سازش و قانع‌بودن؛ - پناه‌بردن به امور معنوی؛ - سرگرم‌شدن با مطالعه کتاب؛ - همراه‌کردن خود به دلیل داشتن فرزند. - پافشاری بر خواسته‌ها؛ - به‌کارگیری تهدیدها؛ - استفاده از لفظ‌های صریح و بی‌پروای متقابل؛ - توجه‌نکردن به مخالفت‌ها. - مشورت و گفت‌وگو با یکدیگر؛ - استفاده از تجارب بزرگ‌ترها؛ - مراجعه به مراکز مشاوره.
راهبردهای مبتنی بر مقاومت	
راهبردهای مبتنی بر مدیریت چالش‌ها	

راهبردهای مبتنی بر سازگاری

این مسئله به استراتژی‌ها و راهبردهای سازگاری اشاره دارد که کودک‌همسران در زندگی زناشویی و در رویارویی با مسائل به کار گرفته‌اند. راهبردهای سازگاری شامل راهبردهای مبتنی بر سازش و قانع‌بودن، پناه‌بردن به امور معنوی، سرگرم‌شدن با مطالعه کتاب، همراه‌کردن خود به دلیل داشتن فرزند بوده است.

سمیرا ۱۸ ساله که ۴ سال از ازدواجش گذشته است، در این باره چنین نقل کرده است:

«هر چیزی که می‌گفتم، تحقیر می‌شدم؛ به‌خاطر همین سکوت رو انتخاب کردم».

لیلا ۱۵ ساله در این باره نقل کرده است:

«وقتی تو زندگی باهات کم می‌ارم، فقط می‌تونستم خودمو با نماز و روزه آروم می‌کنم، امیدوار هستم که روز هیچی نمیکه».

حساب و کتاب و بهشت و جهنم وجود داره و همه بدی‌ها و خوبی‌ها به روزی پاسخ داده میشن».

راهبردهای مبتنی بر مقاومت

برخی از کودک‌همسران رویکرد فعالانه‌ای را در میدان مطالعه و در مواجهه با مسائل اتخاذ و برای رسیدن به

راهبرد مبتنی بر مدیریت چالش‌ها

گروهی دیگر از کودک‌همسران میدان مطالعه، هنگام رویارویی با موانع و مشکلات، از ابزار مدیریت بحران برای حل مسائل و مشکلات در زندگی‌شان استفاده کرده‌اند. آنها با استفاده از راه‌حل‌های صحبت و گفت‌وگو کردن با یکدیگر،

خواسته‌هایشان، از ابزارهای مقاومت استفاده کرده‌اند تا به حداقل‌ها برسند. این ابزارها اعم از تلاش‌های مستمر همراه با پافشاری، به‌کارگیری تهدیدها، استفاده از لفظ‌های صریح و بی‌پروای متقابل و توجه‌نکردن به مخالفت‌ها بوده است.

زهرآ ۱۴ ساله در این باره بیان کرده است:

«هزینه مدرسه رفتنم رو نمی‌داد، می‌گفت ندارم، نمی‌خواد بری مدرسه، ولی باز من اصرار کردم گفتم اشکالی نداره طلاهامو می‌فروشم؛ چون می‌خواستم به هدفم برسم و درسم رو تموم کنم».

نرجس ۲۲ ساله که ۶ سال از ازدواجش می‌گذرد، در این باره چنین می‌گوید:

«به طرز پوششم خیلی گیر می‌داد. اصلاً به حرفاش توجه نکردم و هر لباسی دوست داشتم پوشیدم تا واسش عادی شد و الآن دیگه

مشورت کردن با بزرگ‌ترها و دیگران و استفاده از تجربیات آنها، مراجعه کردن به مراکز مشاوره‌ها، مسائل و مشکلات پیش رو را مدیریت کرده‌اند.

فاطمه ۱۴ ساله در این باره نقل کرده است:

«ما هر وقت تو زندگیمون به بن‌بست می‌خوریم، یا مسئله‌ای برامون پیش میاد، سعی می‌کنیم اول آروم باشیم و بعد باهم حرف بزنیم و براش راه‌حل پیدا کنیم».

مانا ۱۳ ساله در این باره بیان کرده است:

«من هر وقت کم میارم یا نمی‌فهمم چیکار باید بکنم تو زندگیم، با مادرم حرف می‌زنم و ازش کمک می‌گیرم».

محبوبه ۱۶ ساله که در ۱۵ سالگی ازدواج کرده است، در این باره بیان کرده است:

«حس می‌کردم حرف همو نمی‌فهمیم، باهم رفتیم پیش مشاور، با جفتمون که حرف زد و راهنمایی مون کرد خیلی خوب بود، واقعاً تأثیرش رو دیدم».

پیامدها

با عنایت به یافته‌های پژوهش، پدیده کودک‌همسری دربرگیرنده پیامدهایی اعم از بازماندن از رشد اجتماعی، استمرار وضعیت فرودستی دختران، سرکوب نشاط و اشتیاق کودکان، نزاع و درگیری‌های زناشویی، آسیب‌های بدن‌مند، بی‌قدرتی کودک‌همسران، جدایی خاموش و رهایی از قید و بند و یافتن پناه موقت بوده است.

جدول ۶- مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با پیامدهای کودک‌همسری

Table 6- Concepts and categories related to consequences of child marriage

مقوله نهایی	مقوله فرعی (محوری)	کدگذاری باز
مقوله نهایی	مقوله نهایی	- مخالفت‌های همسر به ادامه تحصیل؛
		- پایین بودن سطح تحصیلات همسر؛
		- ناتوانی در پرداخت هزینه‌های تحصیلی؛
مقوله نهایی	مقوله نهایی	- تداخل کارهای منزل با درس خواندن؛
		- کم شدن علاقه و بی‌حوصلگی نسبت به یادگیری؛
		- مسئولیت خانوادگی، زایمان و نگهداری کودک.
مقوله نهایی	مقوله نهایی	- پرداختن به امورات منزل و نداشتن وقت برای شرکت در جشنواره‌ها؛
		- اجازه ندادن همسر برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی.
		- پایین بودن حقوق و مزایای شغلی؛
مقوله نهایی	مقوله نهایی	- نداشتن اعتبار شغلی؛
		- کم‌اهمیت تلقی شدن خدمات شغلی.
		- ورود زود هنگام و بدون تخصص و مهارت به بازار کار غیرتخصصی؛
مقوله نهایی	مقوله نهایی	- کم شدن علاقه نسبت به یادگیری مهارت‌ها؛
		- نداشتن وقت آزاد برای یادگیری مهارت‌ها؛
		- تداخل نقش دانش آموز و همسر بودن؛
مقوله نهایی	مقوله نهایی	- به وجود آمدن حس دوگانگی شخصیت؛
		- ایجاد اختلال در نحوه رفتار با دیگران.
		- اجازه ندادن برای بیرون رفتن با دوستان و همسالان؛
مقوله نهایی	مقوله نهایی	- محدودیت در تعاملات با دیگران

مقوله نهایی	مقوله فرعی (محوری)	کدگذاری باز
نزاع و درگیری‌های زناشویی	خشونت‌های جسمی و جنسی	- نداشتن اجازه رفت و آمدهای دوستانه؛ - کنترل کردن ارتباط‌های کودکان با دیگران. - کتک‌زدن همسر به دلیل سرپیچی از دستورات؛ - اجبار همسر برای داشتن رابطه جنسی. - بددهانی و گیرهای پیش پا افتاده؛ - تهدیدکردن برای منع امورات دلخواه همسر؛ - بدون دلیل بحث کردن در منزل؛ - ندادن اجازه رفتن به مغازه برای خرید.
	خشونت‌های عاطفی و روانی	- مبتلا شدن به بیماری‌های مقاربتی و عفونی؛ - آسیب دیدن اندام‌های داخلی. - حاملگی و زایمان زودرس؛ - مرگ و میر مادران باردار؛ - مبتلا به بیماری پره اکلمپسی و دیگر بیماری‌ها؛ - فستیوال‌های مامایی؛ - زایمان سخت .
	آسیب‌های منتج از رابطه جنسی	- بی‌توجهی به دیدگاه همسر - مشارکت نکردن همسر در تصمیم‌گیری‌ها - محصورشدن همسر در منزل. - تحمیل کردن نظرات مرد به زن؛ - کنترل مداوم زنان در منزل؛ - نداشتن اختیارات زندگی شخصی. - دل‌زدگی و بی‌علاقگی طرفین - درک نکردن طرفین - نشناختن خلقیات یکدیگر؛ - توجه نکردن به احساسات یکدیگر. - تحقیر شدن مداوم در زندگی؛ - تداوم طلاق عاطفی؛ - انباشته شدن مشکلات در زندگی؛ - نماندن راهی برای ادامه دادن و به صورت رسمی جداشدن.
	آسیب‌های بدن‌مند	- به تعلیق درآوردن مشکلات؛ - خوش‌گذرانی لحظه‌ای به دست آوردن؛ - فرار از مشکلات و مسائل زندگی. - کسب کردن آرامش کاذب؛ - جست‌وجوی دوست داشته شدن؛ - یافتن حس مهم بودن.
بی‌قدرتی کودک‌همسران	زن‌ستیزی در منزل	
	احاطه بر افکار همسر	
جدایی خاموش، رهایی از قید و بند	طلاق عاطفی	
	طلاق	
یافتن پناه موقت	روی آوردن به مشروبات الکلی و مواد مخدر	
	روابط فرازناشویی	

بازماندن از رشد اجتماعی یکی از پیامدهای کودک‌همسری و

بازماندن از رشد اجتماعی



باره چنین می‌گوید:

«وقتی ازدواج کردم، نتونستم ادامه تحصیل بدم دیگه،
الآنم بچه‌داری و خونه‌داری می‌کنم؛ چون مدرکی ندارم،
نمی‌تونم دنبال کار باشم».

سرکوب نشاط و اشتیاق کودکانه

این مقوله از کدهای تعارض نقش کودک و محدودیت در تعاملات با دیگران انتزاع شده است. کودک همسران از دنیای کودکی همراه با شوق و نشاط وارد یک زندگی زناشویی شده‌اند که براساس میل درونی خود و انتظاراتی که جامعه از آنها دارد، نمی‌توانند رفتارهای کودکانه داشته باشند و از لذت‌ها و تجربه‌های دوران کودکی محروم شده‌اند. کودک همسران به رفت و آمدها و ارتباط دوستی با همسالان خود در محیط‌های خارج از خانه تمایل داشته‌اند، ولی با نارضایتی خانواده مواجه بودند.

نیلوفر ۱۵ ساله در این باره نقل کرده است:

«وقتی از مهمونی میومدم، مامانم می‌گفت خیلی بلند
می‌خندی و یا زیاد حرف می‌زنی، مته بچه‌ها رفتار می‌کنی،
آبرومو بردی جلو فامیل کم آوردم».

محدثه ۱۴ ساله در این باره بیان کرده است:

«مامانم بهمون یاد داده چه جوری رفتار کنیم و همیشه
بهمون یادآوری می‌کنه شما بزرگ شدین و نباید مته بچه‌ها
رفتار کنید. ما هم یاد گرفتیم چجوری رفتار کنیم که زشت
نباشه؛ یعنی مته بچه‌ها نباشه».

نزاع و درگیری‌های زناشویی

یکی از پیامدهای ازدواج زودهنگام کودکان، نزاع و درگیری‌های بین کودک همسران بوده است. این مقوله از کدهای خشونت‌های جسمی و جنسی و خشونت‌های عاطفی و روانی انتزاع شده است. این افراد در زندگی مشترک به دلیل هرگونه سرپیچی از امورات و یا طبق خواسته همسر عمل نکردن، با بدرفتاری‌ها و گاهی با برخوردهای فیزیکی همسرانشان مواجه بوده‌اند.

زهره ۱۴ ساله در این باره بیان کرده است:

«من هر بار یه رژ می‌زنم میرم مغازه و میام، کلی بهم

از مقوله‌های محرومیت از آموزش و نبود امکان مشارکت اجتماعی انتزاع شده است. کودکان بعد از ازدواج و وارد شدن به زندگی زناشویی، از تحصیلات و دیگر آموزش‌ها باز می‌مانند. یکی از موارد محرومیت از آموزش این کودکان، مخالفت همسرانشان بوده است. همسران آنها به دلیل اینکه تحصیلات پایینی داشتند، با ادامه تحصیل و وارد شدن به دانشگاه، شرکت در فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی و کلاس‌های آموزشی آنها مخالفت کرده‌اند تحصیل و آموزش همسرانشان برای آنها حائز اهمیت نبوده و اولویتی نیز برایشان نداشته است. در برخی موارد دیگر، بازماندن از تحصیل اعم از ناتوانی در پرداخت هزینه‌های تحصیلی، تداخل کارهای منزل با درس خواندن، کم شدن علاقه و بی‌حوصلگی نسبت به یادگیری، مسئولیت خانوادگی و زایمان و نگهداری کودک بوده است.

لیلا ۱۵ ساله در این باره چنین بیان کرده است:

«به‌سختی دارم ادامه تحصیل میدم و نمی‌تونم دیگه ادامه
بدم تا الآن چون مجازی بوده تونستم ادامه بدم. الآن که
حضوری شده دیگه نمی‌تونم؛ چون هزینه‌شو ندارم، وقتش
روهم ندارم».

نگار ۱۴ ساله در این باره می‌گوید:

«وقتی می‌خوام درس بخونم، همسرمد بدش میاد میگه تو
شوهر نگرفتی که بشینی درس بخونی، باید خونه‌داری کنی
و سروصدا می‌کنه، برا همین منم دیگه جلو این کتابمو
بیرون نمی‌ارم».

استمرار وضعیت فرودستی دختران

این مقوله از کدهای پایین بودن منزلت اجتماعی و فقدان داشتن تبحر در حرفه‌ها انتزاع شده است. پایین بودن حقوق و مزایای شغلی، نداشتن اعتبار شغلی و کم‌اهمیت تلقی شدن خدمات شغلی، باعث کاهش منزلت اجتماعی کودک همسران در جامعه شده است. ورود زودهنگام و بدون تخصص و مهارت به بازار کار غیرتخصصی آنان، کم شدن علاقه نسبت به یادگیری مهارت‌ها و نداشتن وقت آزاد برای یادگیری مهارت‌ها، به فقدان تبحر در حرفه‌ها منجر شده بود.

نرجس ۲۲ ساله که ۶ سال از ازدواجش می‌گذرد، در این

فحش می‌ده. بعضی وقتا هم کتکم می‌زنه».

جدایی خاموش، رهایی از قید و بند

این مقوله از دو کد طلاق عاطفی و طلاق انتزاع شده است. جدایی خاموش یا طلاق عاطفی، نوعی از جدایی است که در آن کودک همسران اگرچه با هم در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، اما هیچ مهر و محبت و عاطفه‌ای بین آنها حاکم نیست. در این نوع زندگی، تنها چیزی که این افراد را به هم متصل می‌کند، همان قراردادی است که در ابتدای زندگی آن را پذیرفته‌اند. بیشتر کودک همسرانی که از مدت ازدواج آنها گذشته بود، گریبان‌گیر طلاق عاطفی شده بودند که در زندگی با سردی رابطه‌ها، کم شدن علاقه بین دوطرف، نداشتن میل و رغبت جنسی، درک نکردن طرف مقابل، ادامه دادن زندگی به اجبارهای فردی-اجتماعی و فرهنگی، توجه نکردن به یکدیگر و نداشتن اعتماد به هم مواجه بوده‌اند.

ملیکا ۱۶ ساله که ۲ سال از ازدواجش می‌گذرد، چنین می‌گوید:

«اصلاً منو نمی‌فهمه، درکم نمی‌کنه فقط بلده سرزنشم کنه، دلم ازش سرد شده، هیچ حس دوست‌داشتنی بهش ندارم، فقط به‌خاطر آبروی خانواده جدا نمیشم».

نرگس ۱۷ ساله که ۳ سال از ازدواجش می‌گذرد، در این باره نقل کرده است:

«من اینقد تو این زندگی حرف بد و رفتارهای زشت دیدم که دیگه واقعاً نمی‌خوام تو این زندگی بمونم. اگر منم، فقط به‌خاطر وضع مالییم بوده و به‌محض اینکه بتونم درآمدمو بیشتر کنم، طلاق می‌گیرم، خودمو راحت می‌کنم».

یافتن پناه موقت

برخی از کودک همسران به دلیل دشواری‌هایی که در زندگی برایشان رخ داده بود، برای فرار از این تنش‌ها و دستیابی به یافتن مأمن موقت، به اموراتی از قبیل مصرف قلیان، مصرف مشروبات الکلی و روابط فرازنشویی روی آورده‌اند. درواقع یکی از پیامدهای کودک همسری، درگیر شدن در چالش‌ها و آسیب‌هایی است که برای یافتن پناه موقت اتفاق می‌افتد.

آسیب‌های بدن‌مند

کودک همسران به علت شرایط فیزیکی بدنشان که از نظر جسمی به رشد کامل نرسیده‌اند، هنگام ارتباط جنسی و بارداری به مشکل برخورد‌ه‌اند و برخی از بیماری‌ها و آسیب‌های فیزیکی برایشان پیش آمده است. این مقوله از کدهای آسیب‌های منتج از رابطه جنسی و آسیب‌های متأثر از بارداری انتزاع شده است. مبتلا شدن به بیماری‌های مقاربتی و عفونی، خون‌ریزی‌های شدید، پارگی اندام‌ها، تب (به دلیل عفونت‌های واژینال)، کمردرد شدید، افزایش احتمال ابتلا به HIV و آسیب دیدن اندام‌های داخلی برخی از آنهاست. حاملگی و زایمان زودرس، مرگ و میر مادران باردار، مبتلا به بیماری پره اکلمپسی و دیگر بیماری‌ها و فستیوال‌های مامایی زایمان سخت آسیب‌های متأثر از بارداری آنان بوده است.

نگار ۱۴ ساله در این باره بیان کرده است:

«وقتی رابطه‌مون شروع شد، از درد داشتم می‌مردم. بعد از رابطه کمردرد شدید گرفتم که هنوز درگیرش هستم».

الناز ۱۴ ساله که ۱ سال از ازدواجش می‌گذرد، چنین نقل کرده است:

«سختی‌هایی زیادی واسه زایمانم داشتم، خون‌ریزی شدید، کمردرد کل بدنم درد می‌کرد».

بی‌قدرتی کودک همسران

بی‌قدرتی زن در منزل، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به دیدگاه‌های کودک همسران دختر و اجازه ندادن برای مشارکت در تصمیم‌های زندگی زناشویی و احاطه بر افکار و رفتار کودکان از سوی همسرانشان، سبب شده است که دختران احساس بی‌قدرتی در منزل داشته باشند. این مقوله از زن‌ستیزی در منزل و احاطه بر افکار همسر انتزاع شده است.

نسترن ۱۵ ساله در این باره چنین نقل کرده است:

«هر وقت می‌خواد تصمیمی بگیره که کاری انجام بده، هیچی بهم نمیگه. وقتی بهم بخواه چیزی بگم، بهم میگه تو هیچی نگو، بچه‌ای چیزی نمی‌دونی».

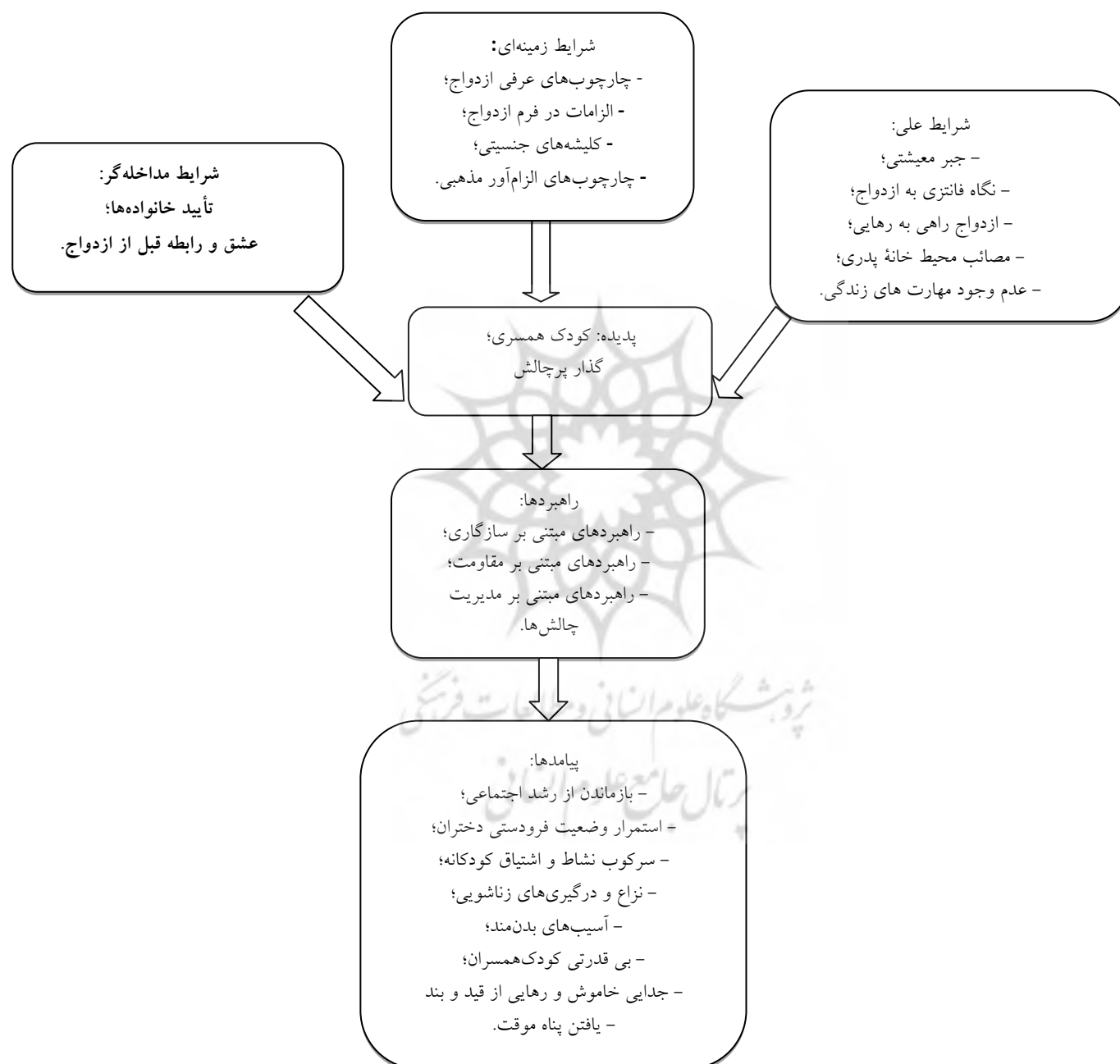
سهیلا ۱۷ ساله که ۳ سال از ازدواجش می‌گذرد، در این

باره می‌گوید:

«من وقتی خیلی فشار مشکلات روم باشه، مشروب می‌خورم که یادم بره مشکلاتمو یا قلیون می‌کشم که اعصابم آروم شه».

لیلا ۱۵ ساله در این باره نقل کرده است:

«دنبال یه نفری بودم که باهاش درد و دل کنم، دوستم داشته باشه به محض اینکه بهم پیشنهاد شد، قبول کردم و باهاش رفیق شدم».



شکل ۱- مدل پارادایمی پژوهش

Fig 1- Paradigmatic model

کودک همسری؛ گذار پرچالش

کودک همسری به مثابه یک دوره گذار برای دختران درگیر

مقاومت و مدیریت آن چالش‌ها را در زندگی خود به کار گرفته‌اند. این پدیده با پیامدهای جبران‌ناپذیری همراه بوده است.

نتیجه

مطابق با یافته‌های احصاشده در میدان پژوهش، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های کودک‌همسری، وجود ساختارهای الزام‌آور در بستر سنت ازدواج بوده است. درحقیقت چارچوب‌ها و اصولی در بنیادهای معرفت‌شناختی-ارزشی و فرهنگی میدان مطالعه وجود داشت که معنای ازدواج، ارزش ازدواج، ارزش جنسیت و ارزش دختربودن را تعیین و به‌صورت ساختارهای عرفی، ساختارهای مذهبی و فرهنگی، نهادینه شده است. نتایج تحقیق (احمدی، ۱۳۹۶) در همگام با این یافته چنین است که در مشکان (سبزوار)، مردم دخترانی را که ۱۸ سال سن دارند و هنوز مجرند، «ترشیده» می‌خوانند. این فشار اجتماعی، ازدواج‌کردن و رواج کودک‌همسری را بالا می‌برد. چارچوب‌های مذهبی، بخش دیگری از ساختارهای الزام‌آور در بستر سنت ازدواج بوده است، به‌گونه‌ای که اعتقادات مذهبی خانواده‌ها و نسل‌های گذشتگان، مقدس‌بودن ازدواج را ترویج داده‌اند. کودکان در این ساختار، به سنت‌ها، باورهای خانوادگی و تقیدات مذهبی پایبندند و در این امر مقاومتی نمی‌کنند. درنهایت ساختارهای عرفی و فرهنگی خانواده‌ها، اقتدار والدین، کلیشه‌های جنسیتی و فشارهای اجتماعی باعث می‌شود که این دختران به ازدواج در سنین پایین تن بدهند. همان‌طور که منتظری و همکاران^۱ (۲۰۱۶) نیز اشاره کرده‌اند، در مواردی نقش و قدرت بزرگ‌ترها آن‌قدر پررنگ و قدرتمند است که اگر آنها بگویند دختر باید ازدواج کند، تمام خانواده قبول می‌کنند.

جبر معیشتی و اقتصادی خانواده‌ها نیز زمینه دیگری برای شکل‌گیری پدیده‌ی کودک‌همسری بوده است. دختران در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که از نظر مالی در سطح پایینی قرار گرفته‌اند، از نظر رفاهی و آموزشی در تنگنا بوده و برای رهایی

برساخت شده است؛ به این معنا که آن را به‌مثابه مقطعی از زندگی دیده و تحت شرایط و عواملی به این اتفاق تن داده‌اند؛ رویدادی که برخی با انتخاب کودکان و ناپختگی خودشان و بعضی دیگر، تحت تأثیر شرایط و فشارهای فرهنگی دست به این کار زده‌اند. اما این فقط یک گذار ساده نیست که با گذر زمان، به‌راحتی از آن عبور کرد، بلکه مهم‌ترین خصیصه آن، چالش‌ها و مصائبی است که برای کودک‌همسران به‌همراه داشته است. به دیگر سخن، این مقطعی از زندگی بوده است که مانند دیگر دوره‌های گذار مثل زایش، بلوغ و... با چالش‌ها و تنش‌های متعدد فردی، اجتماعی و ارتباطی درگیر می‌شوند.

همچنین در این بخش، هدف اصلی پژوهش، یعنی واکاوی بسترها و زمینه‌ها و شرایط علی کودک‌همسری در قالب مدلی کامل‌تر و انتزاعی‌تر ارائه می‌شود. مدل پارادایمی تحقیق نشان‌دهنده جریان فرایندها و فعالیت‌هایی است که در بستر مطالعه کودک‌همسری به وجود آمده است. این مدل، از پنج قسمت شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها تشکیل شده و در مرکز مدل نیز پدیده محوری (کودک‌همسری) قرار گرفته است. با توجه به مدل پارادایمی، وجود عوامل و شرایط مختلفی اعم از ساختارها و چارچوب‌های عرفی، کلیشه‌های جنسیتی و چارچوب‌های مذهبی، به انفعال فکری کودکان منجر شده و رخداد این پدیده را برای کودکان حتمی است. شرایط علی اعم از ساختارهای اقتصادی، احساساتی‌شدن، محدودیت‌های خانوادگی-آموزشی، وجود چالش‌ها در خانواده و پایین‌بودن سطح مهارت‌های شناختی-رفتاری که کودکان در زندگی داشته‌اند، این پدیده را تسریع بخشیده است. عوامل مداخله‌گر و یا تسهیل‌کننده نیز، این پدیده را با تأیید نهایی خانواده‌ها و بزرگ‌ترها آسان می‌کند و آنها در این امر همراه و پشتیبان فرزندان خود بودند تا هرچه زودتر این پدیده به سرانجام برسد و به‌نوعی خیالشان از این بابت راحت باشد. کودک‌همسری، یک گذار پرچالش بوده است که کودکان با استفاده از استراتژی‌ها یا راهبردهای مبتنی بر سازگاری،

¹ Montaeri et al.

سن پایین را وسیله‌ای برای حفاظت دختران از رابطه جنسی قبل و یا خارج از ازدواج در نظر گرفته‌اند. در حقیقت با ازدواج زودهنگام دخترانشان، دوشیزگی و امنیت جسمی، جنسی و آینده‌ او را نیز تضمین می‌کنند.

مطالعه میدانی پدیده کودک‌همسری نشان داد با وجود برداشت اولیه از این موضوع که گمان می‌رفت کودک‌همسری تنها در بین خانواده‌های فقیر و کم‌برخوردار شکل می‌گیرد، مشخص شد که این پدیده در بین خانواده‌های با موقعیت متوسط و حتی به لحاظ اقتصادی بالا نیز وجود دارد؛ از این رو، اگرچه فقر ساختاری و چالش‌های معیشتی، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز کودک‌همسری در شهر بندرعباس است و امری جدی و اشاره‌شدنی به شمار می‌آید، اما مسئله کودک‌همسری تنها به بعد اقتصادی آن تقلیل نمی‌یابد. پژوهش حاضر ادعا می‌کند که مکانیزم‌های مولد کودک‌همسری، بیش و پیش از آنکه وجه معیشتی و اقتصادی داشته باشد، باید آن را در لایه‌های پنهان فرهنگ و مذهب و کلیشه‌های جنسیتی جست‌وجو کرد که در بنیادهای معرفتی و زبانی درباره معنای جنسیت و ازدواج ریشه دارد. بنابراین پدیده کودک‌همسری ذیل منطقی پیچیده‌تر و معرفت‌شناختی عمل و آن را با سویه‌های متنوعی همراه کرده است.

تحلیل سازوکارهای مولد کودک‌همسری در سطح نهادی نیز، حکایتگر آن است که نهاد خانواده فاقد نقش حمایتگر در چنین رویدادی است و فقر و جبر معیشتی، الزامات آیینی و ساختاری درباره ازدواج و ارزش‌های پدرسالارانه در فضای خانواده، کودکان را قربانی کارکردهای خود می‌کند. از سوی دیگر سن پایین کودک و نداشتن درک درست از معنای ازدواج و زندگی، نداشتن بلوغ فکری و وجود فانتزی‌های کودکان و رمانتیک از ازدواج، این امر را تشدید می‌کند و مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم می‌دهد و این پدیده را رقم می‌زند.

درنهایت باید اذعان داشت پدیده کودک‌همسری بیش از آنکه ناشی از جبر معیشتی و فقدان حداقل‌های اقتصادی زندگی باشد، برآمده از بسترهای فرهنگی و چارچوب‌های تفسیری ریشه‌دار در سنت‌هاست. مفروضات سنت‌گرایانه به معنایی

از آن شرایط سخت و دستیابی به شرایط بهتر اقتصادی و پاسخ‌گویی به نیازهای مالی، تن به ازدواج داده‌اند. نتایج تحقیق (جوادیان و همکاران، ۱۳۹۸) در تأیید این یافته چنین است که بسیاری از دختران برای تأمین و پاسخ‌گویی به نیازهایشان، مایل به ازدواج بوده‌اند؛ نیازهایی که به اقتضای شرایط سنی برایشان به وجود آمده است و تأمین‌نشدن نیازهای مالی، عاطفی و نیاز به تفریح از طرف خانواده، آنها را به ازدواج ترغیب می‌کرد.

از دیگر زمینه‌های کودک‌همسری، نگاه فانتزی و رمانتیک بیشتر کودک همسران به ازدواج بوده است که آرزوی رسیدن به آن را داشته‌اند؛ بنابراین برای خودشان رؤیابافی کرده و فانتزی‌هایی ساخته‌اند که به آن فکر و تصور می‌کنند با ازدواج محقق خواهد شد. نتایج پژوهش (حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰) همراه با این یافته چنین بوده است که دختران به کمک تار و پود خیال، دنیای رؤیایی از ازدواج را برای خود می‌سازند.

مصائب خانه پدری نیز در تصمیم ازدواج کودکان دختر تأثیرگذار بوده است. وجود محدودیت‌های رفتاری، پوششی، تعاملات و ارتباط با دیگران و محدودیت‌های اجتماعی، عرصه را بر آنها تنگ کرده و ازدواج را راهی برای نجات خود از محدودیت‌ها برگزیده‌اند، به گونه‌ای که هدف آنان دورشدن از محدودیت‌های خانواده و رسیدن به آزادی، خارج‌شدن از سلطه خانواده بوده است. نتایج تحقیق (جوادیان و همکاران، ۱۳۹۸) نیز چنین بوده است که مسائلی همچون شرایط سخت خانه پدری، در تصمیم به ازدواج دختران نوجوان تأثیرگذار است.

با وجود اینکه حتی برخی از کودک‌همسران جبر معیشتی و اقتصادی را در خانه پدری، از دلایل ازدواج در سن پایین نام برده‌اند، اما به رایج‌بودن ازدواج در سن پایین در بین اقوام، آشنایان و اطرافیان اشاره کرده‌اند و ازدواج در سن پایین جزئی از رسم و رسومات آنها بوده است. خانواده‌های آنان بر این باور بوده‌اند که با ازدواج فرزندان‌شان در سنین پایین، دخترانشان از بسیاری آسیب‌ها در امان می‌مانند و از گرایش به جنس مخالف و انحرافات جنسی و درنهایت ترس از بالارفتن سن دختران، مصون خواهند ماند. بنابراین ازدواج در

مظفری، ر. (۱۳۹۵). حلقه: نگاهی به ازدواج زودهنگام در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

مقدادی، م. و جوادپور، م. (۱۳۹۶). تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن. حقوق پزشکی، ۱۱ (۴۰)، ۶۰-۳۱.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1215732>

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵-۱۳۹۹). بازیابی از amar.org.ir.

References

- Abera, M., Nega, A., Tefera, Y., & Gelagay, A. (2020). *Early marriage and women's empowerment: the case of child-brides in Amhara National Regional State*. Ethiopia, 2. <https://doi.org/10.1186/s12914-020-00249-5>
- Ahmady, K. (2021). An echo of silence: A comprehensive research on early child marriage in Iran. *Journal of Applied Family Therapy*, 2(2), 508-527. doi: 10.22034/aftj.2022.338197.1533 [In Persian]
- Ahmady, K. (2021). Feminization of poverty -the cause and consequence of early childhood marriages in Iran. *The Journal of Psychology and Educational Sciences*, 2, 163-177. [In Persian].
- Ahmady, K. (2021). Challenges of early marriage in Iran from a legal and religious point of view. *The Journal of Psychology and Educational Sciences*, Takestan University, 2, 28-51. [In Persian].
- Ahmady, K. (2021). The phenomenon of temporary marriage ('TM') and its role in promoting early child marriage ('ECM') in Iran. *The Journal of Psychology and Educational Sciences*, 7(3), 39-57. [In Persian]
- Ahmady, K. (2017). *An echo of silence: A comprehensive research on early child marriage in Iran*. Tehran: Shirazeh. [In Persian]
- Cameron, L., Suarez, D., & Wieczkiewicz, S. (2019). *Consequences of Child Marriage In Indonesia*, 7. <https://doi.org/10.1186/s12889-018-5313-0>.
- Chowdhury, F. D. (2004). The socio-cultural context of child marriage in a Bangladeshi village. *International Journal of Social Welfare*, 13(3), 244-253. <https://doi.org/10.1111/j.1369-6866.2004.00318.x>
- Corsaro, W. (1948). *The sociology of childhood* (A. Kermani, M. Rajabi Ardeshiri, translator). Sales publication.
- De Groot, R., Kuunyem, M., & Palermo, T. (2018). *Child marriage and associated outcomes in northern Ghana: a cross-sectional study on behalf of the Ghana LEAP 1000 evaluation team*, 2. <https://bmcpublichealth.biomedcentral.com/articles/10.1186/s12889-018-5166-6>
- Efevbera, Y., & Farmer, P. (2021). It is this which is normal A qualitative study on girl child marriage and health in conakry, Guinea. *Social Science &*

جنس‌گرایانه ختم می‌شود که تصور می‌کند با ازدواج زودهنگام دختران، زمینه‌های خطاهای احتمالی کمتر و مسئولیت او نیز به مرد و یا خانواده دیگری محول می‌شود.

منابع فارسی

- احمدی، ک. (۱۴۰۰). چالش‌های ازدواج زودهنگام در ایران از منظر حقوقی و دینی. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی* دانشگاه تاکس-تان، ۷ (۲)، ۲۸-۵۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1821262>
- احمدی، ک. (۱۴۰۰). زنانه شدن فقر علت‌ها و پیامدها، ازدواج‌های موسوم به کودک‌همسری در ایران. *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۵ (۲)، ۱۶۳-۱۷۷. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2151629>
- احمدی، ک. (۱۴۰۰). نقش ازدواج موقت (TM) در ترویج کودک‌همسری (ECM) در ایران. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی* دانشگاه تاکستان، ۷ (۳)، ۳۹-۵۷.
- احمدی، ک. (۱۴۰۰). پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران. *خانواده درمانی کاربردی*، ۲ (۲)، ۵۰۸-۵۲۷.
- احمدی، ک. (۱۳۹۶). طنین سکوت، پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران. تهران: شیرازه.
- اعزازي، ش. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی خانواده، با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- حاجیلو، ف؛ آقایی، ت. و علیپور، ف. (۱۴۰۰). علل زمینه ساز کودک‌همسری (مطالعه موردی زنان دارای تجربه زیسته مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز). *زن و جامعه*، ۱۲ (۴۸)، ۱۱۶-۱۰۳.
- جوادیان، س؛ شمالی احمدآبادی، ا؛ ترکاشوند مرادآبادی، م. و عابدی، م. (۱۳۹۸). زمینه‌ها و پیامدهای ازدواج زودهنگام دختران ۱۶ تا ۱۳ ساله شهرستان اردکان یزد. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۳ (۴)، ۳۱-۵۴. <https://doi.org/10.22034/jss.2019.47853>
- ساروخانی، ب. و امیرپناهی، م. (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی. *پژوهش زنان*، ۴ (۳)، ۶۰-۳۱.

- Montazeri, S., Gharacheh, M., Mohammadi, N., Alaghbandrad, J., & Eftekhari Ardabili, H. (2016). Determinants of early marriage from married girls' perspectives in Iranian setting: A qualitative study. *Journal of Environmental and Public Health Hindawi Publishing Corporation*, 8(2), 1-10. DOI:10.1155/2016/8615929.
- Mozafari, R. (2015). *A look at early marriage in Iran*. Tehran: First edition: Roshangaran and Women's Studies Publications. [In Persian].
- Morgan, L. & White, L. (1992). *Ancient Society*. Cambridge, MA and London, England: Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/harvard.9780674865662>
- Sarukhani, B., & Amirpanahi, M. (2006). Power structure in family and social participation, *The Journal of Women's Research*, 3, 31-60. [In Persian].
- Segal-Engelchin, D., Huss, E., & Massry, N. (2016). The experience of early marriage. *Journal of Adolescent Research*, 31(6), 725-749. <https://doi.org/10.1177/0743558415605167>.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2022). *Basics of qualitative research*. Ney Publishing.
- Petroni, S., Steinhilber, M., Stevanovic Fenn, N., Stoebe, K., & Gregowski, A. (2017). New Findings on Child Marriage in Sub-Saharan Africa, *Annals of Global Health*, 83(5-6), 781-790. <https://doi.org/10.1016/j.aogh.2017.09.001>
- Payne, M. (2022). *Modern social work theory* (Translated by Talat Aliari). Danje.
- Reynolds, J., & Mansfield, P. (1999). *The effect of changing attitudes to marriage on its stability*. J. Simons. (Ed). High divorce rates: the state of the evidence on reasons and remedies, Lord Chancellor's Department Research Series, 2, 99.
- Rumble, L., Peterman, A., Irdiana, N., Triyana, M., & Minnick, E. (2018). An empirical exploration of female child marriage determinants in Indonesia. 2-3. <https://doi.org/10.1186/s12889-018-5313-0>.
- Rumble, L., Peterman, A., Irdiana, N., Triyana, M., & Minnick, E. (2018). An empirical exploration of female child marriage determinants in Indonesia. *BMC Public Health*, 18, 407. <https://doi.org/10.1186/s12889-018-5313-0>
- Statistical Center of Iran. (2016-2020) Retrieved from Amar.org.ir [In Persian].
- UNICEF (United Nations Children's Fund). (2014). *Ending child marriage: Progress and prospects*. UNICEF. <https://www.hup.harvard.edu/books/9780674576292>
- Vygotsky, L.S. (1978). *Mind and society: The development of higher mental processes*. Harvard University press.
- Woodhead, M. (2009). *Research in childhood studies* (Alireza Kermani: translator). Sociologists publication.
- Medicine*, 273, 113762. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2021.113762>.
- Elnakib, Sh., & Malhorta, A. (2020). 20 Years of the Evidence base on what works to prevent child marriage. A Systematic Review, *Journal of Adolescent Health*, 68(5), 847-862. DOI: 10.1016/j.jadohealth.2020.11.017.
- El Nagar, S., Bamkar, Sh., & Tonnessen, L. (2017). *Girls, child marriage, and education in red sea state, sudan*. Perspectives on Girls' Freedom to Choose, Bergen: Chr. Michelsen Institute (Sudan Report SR 2017:3).
- Emirie, G., Jones, N., & Kebede, M. (2021). The school was closed, so when they brought me a husband i couldn't say no: Exploring the gendered experiences of child marriage amongst adolescent girls and boys in Ethiopia. *Eur J Dev Res*, 33, 1252-1273. <https://doi.org/10.1057/s41287-021-00418-9>
- Ezazi, Sh. (2022). *Sociology of the family, emphasizing the role of the structure and function of the family in the contemporary era*. Tehran: The journal of Roshangan Publications and Women's Studies. [In Persian].
- Hajilou, F., Aghayari, T., & Alipour Abdar, F. (2022). The contextual causes of child marriage (A case study of women who have child marriage experience and recourse to health centers in Tabriz). *Quarterly Journal of Woman and Society*, 12(48), 103-116. doi: 10.30495/jzv.2022.28413.3610 [In Persian].
- Javadian, S., Shomali Ahmadabadi, E., Torkashvand moradabadi, M., & Abedi, M. (2019). The context and consequences of early marriage of 13-16 years old girls in Ardakan. *Journal of Iranian Social Studies*, 13(4), 31-54. doi: 10.22034/jss.2019.47853 [In Persian].
- John, N., Edmeades, J., Murithi, L., & Barre, L. (2018). Child marriage and relationship quality in Ethiopia. *Culture, Health & Sexuality*, 21(8), 853-866.
- Kasinamunda, S. G. (2017). *Religion and child marriages in the Johane Marange Apostolic Sect: the case study of Chihota communal areas*, 1917-2015.
- Misunas, C., Gastón, C.M. & Cappa, C. (2019). Child marriage among boys in high-prevalence countries: an analysis of sexual and reproductive health outcomes. *BMC Int Health Hum Rights*, 19(25), 1-16. <https://doi.org/10.1186/s12914-019-0212-8>
- Melnikas, A.J., Ainul, S., Ehsan, I. et al. (2020). Child marriage practices among the Rohingya in Bangladesh. *Confl Health*, 14(28), 1-12. <https://doi.org/10.1186/s13031-020-00274-0>
- Meghdadi, M M., & Javadvpour, M. (2017). Impact of early marriage on children's sexual health and mechanisms of deal with it. *Medical Law Journal*, 11 (40), 31-60 <http://ijmedicallaw.ir/article-1-705-en.html>